

سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن و حدیث

سید محمدعلی حسینی^۱

^۱. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد ریاضی محض از دانشگاه قم و در حال تحصیل در موسسه فقهی-اصولی کریم اهل بیت -

علیهم السلام- حوزه علمیه قم

نویسنده مسئول:

سید محمدعلی حسینی

چکیده

یکی از موضوعاتی که در عصر حاضر، مورد توجه محققان علوم اجتماعی و صاحبان مسائل فرهنگی قرار گرفته، مسأله «سبک زندگی» است. سبک زندگی را می‌توان لایه آشکار هویت یک جامعه دانست. هر جامعه‌ای، زمانی می‌تواند ثمره و محصول جهان‌بینی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی او متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل یافته باشد. انحطاط فرهنگی جوامع غربی در دهه‌های اخیر و رشد فزاینده‌ی قتل، خشونت، تجاوز و بیماری‌های روحی و روانی در کشورهای غربی، بر لزوم ارائه سبک زندگی برگرفته از آموزه‌های اسلامی تأکید می‌کند. ضرورت وجود سبک زندگی مطلوب در نگاهی معنوی به زندگی را می‌توان تأمین هدف انسان از زندگی دانست که همانا رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت است. همچنین در نگاه مادی به زندگی، این ضرورت، به منظور آسایش و راحتی احساس می‌شود. هدف اصلی پژوهش حاضر، پاسخ به این سؤال است که مفهوم «سبک زندگی اسلامی» چیست و چه اشکالاتی بر سبک زندگی غربی وارد است؟ در این پژوهش سعی شده است که به‌خلاف نگاه جامعه‌شناسان غربی که معمولاً سبک زندگی جاری افراد را تنها توصیف می‌کنند، با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، به تجویز نیز پرداخته شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اسلام، جمع بین سازندگی مادی و سازندگی معنوی را الگوی مناسب زندگی معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی

سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی، قرآن، حدیث

اسلام، جامع‌ترین برنامه هدایت انسان به سعادت دنیوی و اخروی است. خداوند متعال در قالب دین مبین اسلام، تمام نیازهای مادی و معنوی انسان را در نظر گرفته و با ارائه یک الگوی مناسب برای زندگی فردی و اجتماعی، وی را در پیمودن مسیر پر فراز و نشیب زندگی کمک کرده است. انحطاط فرهنگی جوامع غربی و افزایش جرم و جنایت در این جوامع، بیش‌ازپیش ضرورت پیروی از سبک زندگی‌ای برگرفته از آموزه‌های اسلامی را ایجاب می‌کند. کشورهای اسلامی نیز به دلیل القائات رسانه‌ای غرب، مبنی بر عدم کارایی سبک زندگی اسلامی به علت توسعه جوامع غربی و قدیمی‌بودن سبک زندگی اسلامی، از الگوی زندگی غربی تبعیت کردند که از هر گونه معنویتی خالی است، و نتیجه‌ای جز عقب ماندگی برای مسلمانان نداشته است. البته خداوند متعال در آیه ۱۱۶ سوره انعام به پیامبر و مؤمنان در مورد تقلید کورانه و بدون منطق از کفار هشدار داده بوده است.

بعضی از محققان جامعه‌شناسی گفته‌اند که الگوی مصرف، قابل مشاهده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است و قادر می‌باشد بیشترین ارتباط را میان فرد و موقعیت اجتماعی او برقرار سازد و از این منظر اهمیت تحلیلی بیشتری دارد. اما باید دانست که تحلیل سبک زندگی به بررسی الگوهای مصرف مادی یا فرهنگی محدود نمی‌شود. زندگی، عناصری بیش از مصرف دارد، گرچه مصرف، قابل مشاهده‌ترین و ملموس‌ترین رفتار انسان در عصر حاضر است. باید دانست که مفهوم سبک زندگی به نسبت زاویه دیدی که بدان پرداخته می‌شود، تعاریف متعددی دارد و تابع تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی که در زندگی ترسیم گردد، متناسب با خود، یک سبک زندگی پیشنهاد می‌شود.

در جهان‌بینی اسلام، ثروت، قدرت و علم، وسیله‌ای برای تعالی انسان هستند، در حالی که در جهان‌بینی غربی، ثروت، قدرت و علم، هدف هستند. بنابر مبانی فکری جهان‌بینی غربی، اگر انسان‌ها تحقیر بشوند، میلیون‌ها انسان در جنگ‌ها کشته بشوند، برای اینکه کشوری به قدرت یا ثروت برسد، یا کمپانی‌هایی سلاح‌های خودشان را بفروشند، اشکالی ندارد.

اهمیت بررسی موضوع «سبک زندگی اسلامی» وقتی معلوم می‌شود که دانسته شود، مصداق عینی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است و این تمدن، دو ساحت دارد: یکی ساحت ایزاری که عبارت است از ارزش‌هایی که در عصر حاضر، به عنوان پیشرفت مطرح می‌شود، مانند علم، اقتدار سیاسی و اعتبار بین‌المللی؛ و ساحت دیگر، حقیقی می‌باشد که عبارت است از سبک زندگی.

اسلام به‌خلاف اندیشمندان غربی که سبک زندگی را به جلوه‌های عینی رفتار، مانند الگوی مصرف یا شیوه گذران اوقات فراغت محدود می‌کنند، باورها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی را داخل در گستره سبک زندگی

می‌داند. از این رو سبک زندگی اسلامی شامل اموری است که به زندگی مادی و معنوی انسان، اعم از بعد فردی و اجتماعی مربوط می‌شود. اموری از قبیل بینش‌ها و گرایش‌ها که اموری ذهنی هستند و رفتارهای بیرونی، موقعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها، اگر چه آن را شکل می‌دهند. در واقع، سبک زندگی، بخشی از مصداق خارجی فرهنگ به حساب می‌آید.

مهمترین سؤالاتی که در این پژوهش سعی شده است به آن‌ها پاسخ داده شود، عبارت‌اند از: بنا بر آیات و روایات الگوی صحیح رفتار فردی چیست؟ از نظر اسلام، استفاده مطلوب از اوقات فراغت چگونه است؟ در الگویی که اسلام برای روابط اجتماعی ارائه می‌کند، چه اموری باید رعایت شود؟ از دیدگاه قرآن و حدیث، سبک زندگی اسلامی خانوادگی، متوقف بر چه شروطی است؟ منظور از عدالت اقتصادی در الگوی ارائه شده اسلام برای

تعاملات اقتصادی چیست؟ استکبار ستیزی و دفاع از مظلوم در سبک زندگی اسلامی چه جایگاهی دارد؟ بنا بر آموزه‌های قرآن و حدیث، پوشش و آرایش در سبک زندگی اسلامی چه جایگاهی دارد؟

پیشینه تحقیق

با وجود اینکه پیشینه مباحث کلاسیک «سبک زندگی» به نظریات دانشمندان غربی از قبیل «وبر» و «بورديو» در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی بر می‌گردد، عمر این مباحث در ایران به حدود سه دهه می‌رسد. ولی با گذشت زمان، هنوز تحقیقات زیادی در زمینه سبک زندگی صورت نگرفته و در تحقیقات صورت گرفته هم، الگوی زندگی اسلامی، متناسب با فرهنگ جامعه ایرانی، چندان مورد توجه قرار نگرفته است که در این پژوهش، سعی در بیان الگوی زندگی برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای پیاده‌سازی در جامعه ایرانی شده است.

۱- مفهوم سبک زندگی

عنوان «سبک زندگی» برای اولین بار در قرن نوزدهم میلادی وارد ادبیات محققان حوزه علوم اجتماعی شد. البته قبل از این هم بعضی از صاحب‌نظران غربی در ذیل عناوینی از قبیل «فرهنگ»، «الگوی مصرف»، «اوقات فراغت» و «مد و پوشش» به‌طور غیرصریح به آن اشاره کرده بودند. تعاریف متعددی از سبک زندگی ارائه شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: «کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند»، «دارایی‌هایی است که به‌وسیله آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف، خودشان را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از [دیگران] تمایز می‌بخشند»، «رفتارهایی که با قشربندی حیثیتی و اعتباری مرتبطاند، سبک زندگی نامیده می‌شوند ... سبک زندگی هم الگوهای مصرف را شامل می‌شود و هم قدرتی که از این ناحیه کسب می‌شود. سلیقه، آداب معاشرت و مد به‌منزله علائم داشتن جا در نردبان اجتماعی شناخته می‌شوند»، «سیاستی است که با منازعات و کشمکش‌های در باب یک سؤال پیوند دارد، چگونه ما باید در دنیایی زندگی کنیم که در آن، آنچه به‌وسیله طبیعت یا سنت تثبیت شده بود، اکنون موضوع تصمیم‌گیری انسان قرار گرفته است».

بنابراین می‌توان سبک زندگی را شامل اموری دانست که به زندگی مادی و معنوی انسان، اعم از بعد فردی و اجتماعی مربوط می‌شود. اموری از قبیل بینش‌ها و گرایش‌ها که اموری ذهنی یا رفتار درونی هستند و رفتارهای بیرونی، موقعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها که اموری عینی می‌باشند. پس امور محیطی و وراثتی، به‌طور مفهومی، از سبک زندگی خارج شده، اگرچه آن را شکل می‌دهند.^۴

۱Weber
2Bourdieu
۳Lifestyle

۴. آدلر، ۱۹۵۶، ص ۱۹۱

۵. بورديو، ۱۹۸۴، ص ۲۴۹

۶. لسلی و دیگران، ۱۹۹۴، ص ۳۶۸

۷. گیدنز، ۱۹۹۶، ص ۲۳۱

۳. مهدوی کنی، ۱۳۸۷، صص ۲۲۳-۲۲۴

لازم به ذکر است که با وجود اشتراکات زیادی که فرهنگ و سبک زندگی دارند، اما دو پدیده مستقل از هم محسوب می‌شوند. درواقع، فرهنگ، زیربنای سبک زندگی را تشکیل می‌دهد و سبک زندگی نیز بخشی از مصداق خارجی فرهنگ به حساب می‌آید.^۱ یعنی فرهنگ با اثرگذاری در ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه انسانی، در قالب سبک زندگی نمایان می‌شود.

هرچند دین اسلام در تمامی موضوعات مطرح شده ذیل عنوان «سبک زندگی» دارای الگویی کارآمد و منسجم هست، اما این عنوان در ادبیات آموزه‌های اسلامی به کاربرده نشده است و از این رو در بیان مفهوم «سبک زندگی» به تعاریف مطرح شده از سوی روانشناسان و محققان علوم اجتماعی اکتفا شده است.

نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد، این است که سبک زندگی اسلامی، منحصر در یک الگو نیست. برای مثال، در میان طلابی که در حوزه‌های علمیه می‌باشند، برخی بر علم‌آموزی و تحقیق تأکید می‌کنند، گروهی بر خدمات اجتماعی و دسته‌ای نیز بر تبلیغ و سخنرانی. با وجود این، الگوهای انتخابی هیچ‌کدام را نمی‌توان خارج از چارچوب سبک زندگی اسلامی دانست. مثال دیگر در این زمینه، سبک زندگی سلمان و ابوذر است که پیامبر گرامی اسلام، میان آن‌ها عقد برادری بسته بود. هرکدام از آن دو، سبک زندگی خاص خود را داشتند و پیامبر نیز هیچ‌کدام از آن‌ها را نفی نمی‌کرد. البته این مطلب، منافاتی با تلاش برای رسیدن به الگوی مطلوب‌تر ندارد.

۲- الگوی رفتار فردی

۲-۱- خودسازی

اسلام به‌خلاف اندیشمندان غربی که سبک زندگی را به جلوه‌های عینی رفتار، مانند الگوی مصرف یا شیوه گذران اوقات فراغت محدود می‌کنند، باورها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی را داخل در گستره سبک زندگی می‌داند.^۲ به‌علاوه، این باورها در سطوح رفتاری افراد نیز اثرگذار است و از راه ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، می‌تواند در جهت‌گیری رفتاری افراد که از آن با عناوینی چون سلیقه یا ترجیحات فردی و گروهی یاد می‌شود، مؤثر باشد.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، خودسازی و تحول درونی، نقش مهمی در تغییر جامعه و تحولات عالم دارد، به‌طوری‌که فساد عالم، هرچند یک نفر باشد، مساوی با فساد عالم شمرده شده است و بر تقدّم خودسازی در مسئولان بر عهده‌دار شدن مسئولیت تأکید شده است.^۳ در یک نگاه کلی، از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که خودسازی یا ارتباط با خود، در کنار ارتباط با خدا و ارتباط با دیگران، اصول سه‌گانه مسائل اخلاقی را تشکیل می‌دهند. خداوند متعال، انسان را طوری آفریده است که به تربیت نیاز دارد؛ یعنی انسان، هم باید از بیرون تربیت شود و هم از درون مورد تربیت قرار گیرد.

در نظام ارزشی اسلام، از دو نوع تربیت نام برده شده است که عبارت‌اند از: تعلیم و تزکیه یکی از ضعف‌های جوامع اسلامی در عصر حاضر و به‌ویژه

۱. فاضل، ۱۳۹۲، صص ۳۱-۳۲

۲. فاضل، ۱۳۹۲، ص ۵۳

۳. سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۱۷

جامعه ایرانی این است که به موازات پیشرفت‌های مادی، پیشرفت معنوی پیدا نکردند. در قرآن، هر جا تزکیه و تعلیم از زبان پروردگار است، تزکیه بر تعلیم مقدم است. آن هم تعلیم کتاب و حکمت. «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه»، فقط یک‌جا از زبان حضرت ابراهیم تعلیم مقدم شده است.

البته باید به این نکته اشاره کرد که اسلام برای انسان دو ساحت دنیا و آخرت، قائل است. به دیگر سخن، اگر انسان را به مثابه سلولی از پیکره جامعه بدانیم و پیشرفت مادی و معنوی جامعه را متوقف بر الگوی مناسب زندگی انسان‌ها در جامعه بدانیم، نظام ارزشی اسلام، الگوی صحیح زندگی انسان را بدون توجه به هر دو ساحت دنیا و آخرت، ممکن نمی‌داند. اسلام، جمع بین سازندگی مادی و سازندگی معنوی را الگوی مناسب زندگی معرفی می‌کند. بر همین اساس، امیرالمؤمنین علیه‌السلام که نماد یک مسلمان واقعی است، با دست خود چاه و قنات حفر کرد و آن‌گاه که آب به ضخامت گردن شتر فوران کرد، از چاه بیرون آمد و در کنار چاه با همان لباس کار گل آلود، آب چاه را برای فقرا وقف کرد. این نتیجه تربیت اسلامی و نشانگر برنامه مادی و معنوی اسلام است. این همان چیزی است که در قرآن از آن با عنوان «حیات طیبه» یاد شده است.^۲

در مورد آسیب شناسی سبک زندگی غربی، باید گفت که نگاه غرب به زندگی فردی انسان از دو حالت خارج نیست که هر دو مورد از دیدگاه اسلام، مردود است. یکی اینکه تحول انسان متوقف بر پیشرفت مادی تنها است و دیگری اینکه الگوی زندگی انسان باید مبتنی بر گزاره‌هایی باشد که منجر به تحول معنوی او شود، بدون اینکه به زندگی مادی و دنیوی او توجهی شود. البته این به معنای مغایرت کامل زیست مؤمنانه با دیگر الگوهای زندگی، رایج در جهان، نیست، ولی مهم آن است که الگوهای انتخابی در سبک زیست مؤمنانه باید از آموزه‌های دینی اثر پذیرد.^۳ همانطور که تعبیر قرآنی «ایمان» و «عمل صالح» که در آیات قرآن، بارها در کنار هم آمده حاکی از آن است که ایمان حقیقی، ایمانی است که در قالب عمل صالح جاری شود.

یکی از اموری که در راستای الگوی زندگی اسلامی در حوزه زندگی فردی باید مورد توجه قرار گیرد، یاد خدا در همه لحظات زندگی است که خصلت هر مؤمنی بیان شده است^۴ و موجب شفاى دل‌ها،^۵ شرح صدر^۶ و روشنی اندیشه^۷ می‌شود. یکی دیگر از این امور، محاسبه و نظر انتقادی به اخلاق و رفتار خود هست که اولین و مهمترین قدم خودسازی است. همچنین از این امور می‌توان، مراقبت و استقامت برای حفظ سرمایه‌های معنوی را نام برد که به‌طور خاص بر مواظبت از زبان در مقابل گناه تأکید شده است.^۸ اغتنام فرصت جوانی که در روایات، قلب جوان به زمین قابل کشت تشبیه

۱. جمعه، آیه ۲

۲. بقره، آیه ۱۲۹

۳. نحل، آیه ۹۷

۴. فاضل، ۱۳۹۲، ص ۲۱۰

۵. احزاب، آیه ۴۲

۶. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۵۱۷۳

۷. متقی هندی، ۱۴۱۳، ح ۱۷۵۱

۸. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۸۳۵

۹. همان، ح ۸۸۷۶

۱۰. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۶

۱۱. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۰۹۴۷

شده است؛^۱ خالص بودن عبادت و عمل برای خدا که شرط پذیرش اعمال از سوی خداوند است؛^۲ پرهیز از تکبر که داشتن ذره‌ای از آن مانع ورود به بهشت بیان شده است؛^۳ پرهیز از دنیاطلبی که ریشه همه خطاها معرفی شده است؛^۴ اهتمام به عبادات که برترین عبادت‌ها، انتظار فرج است^۵ و انس به دعا که مانع رسیدن بلا ذکر شده است^۶ از دیگر اموری هستند که بر اساس آموزه‌های دینی، در حوزه سبک زندگی فردی به آن‌ها اشاره شده است. رعایت همه این امور در زندگی موجب می‌شود که زندگی انسان، هدف‌دار شده و معنا پیدا کند و نتیجه آن آرامش روحی و آسایش در زندگی است، به‌طوری که انسان در برابر مشکلات و فراز و نشیب‌های زندگی دنیوی، پشیمان و خسته نشود.

۲-۲- فکر و اندیشه

سبک زندگی به نموده‌های بیرونی رفتار افراد منحصر نیست، بلکه شامل ارزش‌ها و مبانی اعتقادی آن‌ها نیز می‌شود. در پژوهشی که با عنوان «سبک زندگی جوانان کافی‌شاپ» صورت گرفته، به‌خوبی نشان داده شده است که پیش شرط هر گونه برنامه‌ریزی فرهنگی، شناخت جامعه مورد نظر، جهت پیش‌بینی واکنش‌های احتمالی است. به همین جهت «سیاست‌گذاری فرهنگی» به معنای کنترل تولید و مصرف فرهنگی، مستلزم آگاهی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و نیازهای گروه هدف است.

قرآن در آیات بسیاری به تفکر و اندیشیدن دعوت کرده است.^۸ امام حسن علیه‌السلام در کنار تقوا به تداوم اندیشه سفارش کردند و اندیشیدن را پدر و مادر همه خوبی‌ها معرفی نمودند.^۹ اهمیت تفکر و اندیشه در آموزه‌های اسلامی تا آنجا است که یک ساعت اندیشیدن، بهتر از یک سال عبادت محسوب شده است^{۱۰} و در جای دیگری آمده است که عبادت به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه به اندیشه زیاد در کار و امر خداست.^{۱۱}

در سبک زندگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، بر اهمیت اندیشه در سه سؤال اساسی تأکید شده است. این سه سؤال عبارت است از: «از کجا آمده‌ایم؟»، «به کجا می‌رویم؟» و «برای چه آمده‌ایم؟». درواقع، پاسخ این سه سؤال، نقش اساسی در شکل‌گیری یک نظام اعتقادی منسجم در هر فردی دارد و هدف او را از زندگی تعیین می‌کند. در اسلام، انسان موجودی مختار معرفی شده است^{۱۲} و اراده تکوینی خدا به این تعلق گرفته که انسان هر راهی را می‌تواند برای زندگی‌اش انتخاب کند. این دیدگاه در مقابل دیدگاه بعضی از جامعه‌شناسان غربی است که به اصالت جامعه معتقدند، برای افراد،

۱. ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۲۸۸

۲. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۰۳

۳. همان، ص ۹۰

۴. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۵

۵. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۲۵

۶. ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۱۹۴

۷. شالچی، ۱۳۸۷، صص ۱۱۲-۱۱۳

۸. بقره، آیه ۲۶۶؛ اعراف، آیه ۱۷۶؛ رعد، آیه ۳؛ فرقان، آیه ۵۰؛ جاثیه، آیه ۱۳

۹. ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۴۵۴

۱۰. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۲۷

۱۱. همان، ج ۶۸، ص ۳۲۵

۱۲. کهف، آیه ۲۹

هویتی مستقل از جامعه قائل نیستند و بر جبر اجتماعی و تاریخی تأکید دارند. از نظر آن‌ها، جامعه مانند موجودی مقتدر، شخصیت و هویت افراد را شکل می‌دهد. به دیگر سخن، جامعه، حاصل جمع ساده افراد نیست، بلکه ترکیب مخصوصی از افراد است که واقعیتی ویژه را پدید می‌آورد.^۱

بر اساس این دیدگاه، انسان، انسان نیست، مگر آنکه تحت تأثیر جامعه تغییر کند. در آسیب‌شناسی سبک زندگی غربی که مبتنی بر این نگاه به انسان است، باید به این نکته اشاره کرد که نتیجه چنین نگاهی به انسان، ضعف و ناتوانی انسان در مقابل طبیعت پیرامونی خود است و به تسلیم در برابر فن‌آوری خودساخته منجر می‌شود. در الگوی سبک زندگی غربی، انسان، مانند برده‌ای است که به دلیل نداشتن اختیار از خود، می‌بایست به روش‌های دیکته شده توسط سران قدرت و ثروت تن دهد و از این‌رو است که جوامع غربی درصددند که با القای تفکر «ما نمی‌توانیم» در بین ملت‌های مسلمان، جلوی هر پیشرفتی را بگیرند و لذت جویی‌های نامحدود را توجیه کنند؛ بنابراین روشن است که تا چه اندازه، تفکر و اندیشه در مبدأ و معاد ضروری به نظر می‌رسد^۲ و می‌تواند موجب ایستادگی در برابر «شبیه‌خون فرهنگی» و «جنگ نرم» باشد که در عصر حاضر، بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل شده است.

یکی از ملزومات تفکر و اندیشه، دانش‌اندوزی است که در قرآن و روایات به آن تأکید شده است. در تعلیم اسلامی، با ارزش‌ترین مردم کسانی هستند که از دانش بیشتری برخوردار هستند^۳، تحصیل دانش، بر هر مسلمانی واجب شمرده شده^۴ و سرآمد همه خوبی‌ها معرفی شده است^۵، که به روشنی، حاکی از عدم تساوی رتبه دانا و نادان از دیدگاه دین مبین اسلام هست^۶، تا آنجا که از علما به «وارثان پیامبران» تعبیر شده است.^۷

علاوه بر اختیار انسان، فطرت انسان نیز از بسته‌های تفکر و مقوله شناخت‌شناسی برای نیل به یک الگوی مناسب برای زندگی اسلامی است. در منظومه فکری اسلام، هدف از بعثت انبیاء، کنار زدن پرده‌های غفلت از روی فطرت پاک الهی است که به انسان عطا شده است.^۸ برخی از ویژگی‌های فطری انسان‌ها می‌تواند در مسیر تکامل زندگی اجتماعی، تأثیر بسزایی داشته باشد. استعداد آدمی در حفظ و گردآوری تجربه‌ها، توانایی او در یادگیری، به ویژه از راه زبان و قلم که موجب هموار شدن راه انتقال تجربه‌ها به نسل‌های بعدی می‌شود و همچنین میل ذاتی و علاقه فطری بشر به نوآوری و آفرینش، همگی موجب می‌گردد، انسان، همواره جامعه خود را رو به جلو هدایت کند.^۹

اهمیت توجه به فطرت انسان برای موضوع سبک زندگی به این صورت است که اگر جامعه اسلامی بخواهد سبک زندگی اسلامی داشته باشد و دنباله رو جوامع غربی نباشد، باید به خویشتن خویش بازگردد و در پرتوی جهان بینی الهی، هویت از دست رفته خود را بازیابد؛ هویتی که بر اساس عناوین نژادی، طبقاتی و زبانی بنا نگردیده، بلکه بر اساس رابطه انسان و جامعه انسانی با خدا استوار است و در کلمه اسلام و تسلیم خدا بودن خلاصه

۱. مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۷۱

۲. سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۷

۳. صدوق، ۱۴۱۳، ص ۳۹۵

۴. ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۳۹۶

۵. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۷۵

۶. زمزم، آیه ۹

۷. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۲

۸. روم، آیه ۳۰؛ اعراف، آیه ۱۷۲

۹. مطهری، ۱۳۷۸، صص ۲۴۸-۲۴۹

می‌شود.^۱ البته این به معنای نفی اراده انسان نیست. از این رو است که مبحث شناخت انسان به عنوان یک جزء از کل جامعه، ضروری به نظر می‌رسد و وظیفه حوزه و دانشگاه را در مقوله «شناخت‌شناسی» به عنوان مقدمه ارائه یک الگوی اسلامی-ایرانی برای زندگی، بیش‌ازپیش سنگین می‌کند.

۲-۳- اوقات فراغت

از مهم‌ترین کلید واژه‌ها در موضوع سبک زندگی، اوقات فراغت است، به طوری که با مشاهده پیشینه بررسی مفهوم سبک زندگی، می‌توان فهمید که بعضی از جامعه‌شناسان غربی، سبک زندگی را منحصر در «الگوی مصرف»، «اوقات فراغت»، «مناسبات تولید»، «مد و پوشش» و «محیط زیست انسانی» کردند. متأسفانه در بعضی از بررسی‌های محققان ایرانی در زمینه سبک زندگی نیز تبعیت از شیوه غرب در بررسی‌های الگوی زندگی دیده می‌شود که در این تحقیق سعی شده است، ضمن بررسی جامع الگوی زندگی و توجه به همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی، تناسب الگوی زندگی با معارف اسلامی نیز رعایت شود که می‌توان آن را از مصادیق فعالیت در زمینه «علوم انسانی» دانست. مشاهده وضعیت اسفبار جوانان در کشورهای غربی، در اثر استفاده نادرست از اوقات فراغت خود، بر ضرورت این مطلب می‌افزاید.

آموزه‌های اسلامی، الگوی مناسبی برای گذران اوقات فراغت به انسان ارائه کرده است که از یک سو به انسان کمک می‌کند که در اوقات فراغت به خودسازی پرداخته و ضمن شناسایی نقاط ضعف و قوت خود در رفتارهای فردی و گروهی، به درمان نقاط ضعف بپردازد و از سوی دیگر، زمینه شکوفایی استعدادهای نهفته انسان را فراهم می‌کند. نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه ویژه‌ای شود، رعایت اعتدال و میانه‌روی در استفاده مناسب از اوقات فراغت است. قرآن کریم، امت اسلامی را امت میانه نامیده است.^۲ از این آیه استفاده می‌شود که در آموزه‌های اسلامی، افراط و تفریط وجود ندارد. همچنین در اهمیت میانه‌روی و اعتدال در اسلام، می‌توان به توصیف پیامبر گرامی اسلام توسط علی علیه‌السلام اشاره کرد که رفتار ایشان را رفتاری میانه معرفی می‌کنند.^۳

پیامبر بزرگوار اسلام در بیان لزوم میانه‌روی در عبادت می‌فرمایند: دین اسلام، استوار و متین است. پس با ملایمت در آن درآیید و عبادت خدا را بر بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید و گرنه مانند سوارکاری خواهید بود که بر اثر تندروی، نه به مقصد رسیده و نه مرکبی باقی گذاشته است.^۴ بنابراین اوقات فراغت را می‌توان شمشیر دولبه‌ای دانست، زیرا همانطور که می‌تواند فرصتی برای بازسازی شخصیت و شکوفایی استعدادها باشد، می‌تواند در صورت استفاده نادرست از آن، تهدید به حساب آید.

نکته دیگری که در تحلیل مفهوم اوقات فراغت به مثابه بخشی از مفهوم عام سبک زندگی، باید به آن توجه شود، این است که نتایج پژوهش‌های جامعه‌شناسی نشان می‌دهد، «طبقه اجتماعی» و «جنسیت» از مهمترین عوامل اثرگذار در تمایز الگوهای گذران اوقات فراغت است.^۵

از شیوه‌های مطلوب گذران اوقات فراغت در اسلام، صله رحم است. بنا بر آموزه‌های اسلامی، صله رحم، غصه را از زندگی می‌برد.^۶ از مهمان به عنوان

۱. فاضل، ۱۳۹۲، ص ۵۶

۲. بقره، آیه ۱۴۳

۳. سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۸۷

۴. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۰۹

۵. ربانی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۰

۶. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۶

کسی که گناهان خانه را می‌برد، یاد شده است.^۱ در مذمت خانه‌ای که مهمان به آن وارد نشود، گفته شده که فرشتگان واردش نمی‌شوند.^۲ روزی امام علی علیه‌السلام را غمگین یافتند. وقتی علت را جویا شدند، فرمودند: چون هفت روز است که مهمانی بر ما وارد نشده است.^۳ امام صادق علیه‌السلام در جواب سؤال از معنای آیه ۲۱ سوره رعد فرمودند: منظور همه خویشاوندان است.^۴ از شیوه‌های دیگر گذران مطلوب اوقات فراغت در اسلام، استراحت است که از مصادیق بارز آن خواب است. خداوند متعال، خواب را مایه آسایش قرار داده است^۵ و شب زنده‌داری، موجب لذت بخش‌تر شدن خواب معرفی شده است.^۶

هرچند خواب، موجب تجدید قوای جسمانی و روحی هر فردی می‌شود، ولی همانطور که گفته شد، اسلام دین میانه‌روی است و پرخواهی نیز خروج از حد اعتدال است که در الگوی اسلامی زندگی فردی از آن نهی شده است تا آنجا که از پرخواهی به عنوان عامل تهیدستی در روز قیامت^۷ و از دست رفتن دین و دنیا تعبیر شده است.^۸ روشن است که کم خوابی هم مانع از گذران مطلوب اوقات فراغت خواهد بود. یکی از نمودهای عینی جامعیت دین مبین اسلام، ذکر آداب خوابیدن است، به طوری که ذکر اصولی مانند توحید، معاد و نبوت، مانع از این نشده است که اسلام از فروعاتی مانند خوابیدن غفلت کند. جامعیتی که از یک سو، نشان دهنده امتیاز ویژه سبک زندگی اسلامی هست که برگرفته از تعالیم الهی است و از سوی دیگر، بر سنگینی وظیفه محققان و پژوهشگران حوزه علوم اسلامی دلالت می‌کند. از جمله آداب خوابیدن از منظر آموزه‌های دین اسلام عبارت است از «نخوابیدن با دست‌های چرب که کنایه از پاکیزگی است»،^۹ «با وضو خوابیدن که مرگ در چنین خوابی، شهادت محسوب شده است»،^{۱۰} «قضای حاجت کردن، قبل از خواب»،^{۱۱} «محاسبه اعمال روز در بستر خواب»،^{۱۲} و «قرائت قرآن و دعا هنگام خواب که برای مثال، خواندن سوره تکوثر، سبب حفظ از عذاب قبر معرفی شده است».^{۱۳}

ورزش کردن نیز در سبک زندگی اسلامی در مقوله اوقات فراغت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آن به حق بدن هم تعبیر شده است.^{۱۴} شنا، اسب‌سواری و تیراندازی، از ورزش‌هایی است که به اقتضای شرایط اجتماعی صدر اسلام بر آن‌ها تأکید شده است.^{۱۵} در سیره پیامبر گرامی اسلام که

۱. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۴۶۱

۲. ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۳۴۰

۳. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۲۸

۴. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۷۷

۵. نباء، آیه ۹

۶. ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۵۷۴

۷. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۵۰۴

۸. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۴

۹. صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۶

۱۰. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۱۸۳

۱۱. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۴، ص ۲۴۵

۱۲. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۶، ص ۱۹۰

۱۳. همان، ص ۱۹۶

۱۴. همان، ج ۷۰، ص ۱۲۸

۱۵. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۴۷۵

به تعبیر قرآن مجید، الگویی نیکو برای تمام مسلمانان است،^۱ دیده می‌شود که هم به عنوان شرکت کننده و هم به عنوان داور در مسابقات اسب‌سواری یا شتردوانی شرکت کرده است.

از نظر عقل هم حفظ سلامتی روح و جسم از طریق ورزش کردن ضروری است، چراکه ورزش نکردن، آثار بدی مانند چاقی، تنبلی، بی‌حوصلگی و امثال اینها دارد. نکته‌ای که در موضوع ورزش کردن از دیدگاه اسلام مهم است، رعایت اخلاق و روح جوانمردی است، به‌طوری که در غیر این صورت، آثار مطلوب ورزش کردن در سایه اضطراب و کینه حاصل نمی‌شود.

یکی دیگر از الگوهای مطلوب اسلامی برای گذران اوقات فراغت در راستای نیل به آرامش در زندگی شخصی، پرداختن به عبادت خداست. قرآن کریم می‌فرماید: دل‌ها با یاد خدا آرامش می‌یابد.^۲ از مصادیق بارز عبادت برای گذران مناسب اوقات فراغت، می‌توان به نماز،^۳ تفکر در آفرینش آسمان و زمین،^۴ حضور در جماعت مسلمانان،^۵ دعا،^۶ محاسبه اعمال^۷ و انجام مستحبات و ترک مکروهات.

اسلام دین فطرت است و با تفریح و شادی کردن که خواسته غریزی انسان است، مخالفتی ندارد. چنان که ابوذر در حدیثی طولانی از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: انسان عاقل، اگر زیردست کسی نباشد، باید اوقات شبانه روزش را بر سه قسم تقسیم کند؛ وقتی را برای راز و نیاز با خداوند متعال و وقتی را برای حسابرسی از نفسش، ... و وقتی را برای لذت‌های حلال و وقتی را که برای لذت‌های حلال صرف می‌کند، او را در انجام وظایف در بقیه اوقاتش یاری می‌کند و موجب استراحت و آرامش قلب‌ها می‌شود.^۸

آن چه مورد انتقاد است، تفریحات و شادی‌های نابجاست که قرآن، مواردی از آن را می‌فرماید: «شادی به خاطر جبهه نرفتن و شرکت نکردن در جهاد»، «شادی به خاطر کامیابی‌های دنیوی و غفلت از آخرت»، «شادی به خاطر کسب ثروت در ماجرای قارون»، «شادی به خاطر داشتن علم». اما اگر شادی بر اساس حق و لطف الهی، خدمت به مردم و رسیدن به کمالات باشد، نه تنها بد نیست، بلکه یک ارزش هست.^۹ پس در آسیب‌شناسی سبک زندگی غربی که هر تفریحی را برای بشر جایز می‌داند، باید گفت، تفریحی که موجب شادی زندگی فردی و همزمان غم و اندوه در زندگی فردی دیگر شود، در الگوی زندگی برگرفته از آموزه‌های اسلامی نکوهیده است. مراکز عیاشی و خوش‌گذرانی، مشروب‌خواری و قماربازی

۱. احزاب، آیه ۲۱

۲. رعد، آیه ۲۸

۳. بقره، آیه ۲۳۸

۴. آل عمران، آیه ۱۹۰-۱۹۱

۵. متقی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۶

۶. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۹۵

۷. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۶

۸. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۷۱

۹. توبه، آیه ۸۱

۱۰. رعد، آیه ۲۶

۱۱. قصص، آیه ۷۶

۱۲. غافر، آیه ۸۳

۱۳. یونس، آیه ۵۸؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۲۹۳

در غرب را می‌توان از مصادیق بارز این تفکر نادرست به اوقات فراغت دانست که موجبات انحطاط فرهنگی غرب را فراهم کرده است.

یکی دیگر از زمینه‌های گذران اوقات فراغت، استفاده از برنامه‌های بیداری و شنیداری، اعم از فیلم و موسیقی است که می‌توان گفت، در عصر حاضر بر دیگر زمینه‌های اوقات فراغت پیشی گرفته است. از این‌رو وظیفه گردانندگان رسانه‌های گروهی و به خصوص صدا و سیما در کشور ایران، بسیار خطیر است و اندکی غفلت از گردش امور و بی‌توجهی به تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در پخش آثار جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد. برنامه‌های هنری، فیلم‌ها و گزارش‌هایی که جوانان و کودکان را به رفتار سالم و اندیشه درست رهنمون می‌شود، دینداری، تعهد، انضباط، محبت، تعاون و حضور در صحنه‌های انقلابی و سیاسی را به آنان می‌آموزد و عشق به فرهنگ و میهن خویش را در آنان پدید می‌آورد. با این نگاه است که فعالیت در زمینه‌های هنری و رسانه‌ای، حسنه‌ای ماندگار به حساب می‌آید و ایران اسلامی را در برابر امواج تهاجم فکری، فرهنگی و تبلیغاتی بیمه می‌نماید. در نقطه مقابل، فیلم‌ها و برنامه‌هایی که انسان را مجذوب خواسته‌های غلط و انحرافی می‌کند یا به بی‌بندوباری و معاشرت‌های نامشروع و یا خشونت‌های خونین - که امروزه آفت جوامع غربی، بخصوص آمریکاست - می‌کشاند و در رفتار، پوشش، معاشرت و آرمان‌گزینی، مقلد بیگانگان بار می‌آورد، یا حقایق گذشته و حال کشور را واژگونه می‌نماید^۱ و مخاطبان را به یاس، سرگرمی‌ها و عادت‌های ناسالم و یا به اسراف سوق می‌دهد، لطمه‌ای است که به آسانی قابل جبران نیست و وزر و وبال آن گریبان‌گیر همه خواهد بود.

از امور دیگری که می‌توان در گذران مطلوب اوقات فراغت از دیدگاه اسلام به آن‌ها اشاره کرد، عبارت است از: «شعر گفتن یا شعر خواندن که درباره شعر گفتن در مدح اهل بیت علیهم السلام آمده است که خداوند برای چنین کسی، یک خانه در بهشت می‌سازد»، «خطاطی که نکاتی از آن در بعضی از روایات آموزش داده شده است»، «مطالعه کتاب که بوستان دانشمندان و سخنگوی خوب تعبیر شده است»، «حفظ قرآن که از حافظان قرآن با عنوان اشراف امت یاد شده است»، «خواندن قرآن با صدای خوش که زیور قرآن محسوب شده است»، «تدبر در قرآن» و «یادگیری قرآن و آموزش آن که پیامبر اسلام، کسی که چنین کند را از بهترین افراد معرفی کردند» و «مسافرت کردن و گردش در طبیعت که در این مورد بر انتخاب همسفر مناسب تأکید شده است».

۳- الگوی روابط اجتماعی

۳-۱- معاشرت با دوستان

انسان به فطرت خود در سراسر زندگی خویش میل به رفاقت و دوستی دارد؛ و رفقا و دوستان، نه تنها با هم انس می‌گیرند و با مصاحبت و همنشینی،

۱. طریق الاسلامی، ۱۳۹۵، ص ۶۰۳

۲. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۵۹۷

۳. ری شهری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶

۴. محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۳۰۲؛ ری شهری، ۱۳۸۳، ص ۴۲۸

۵. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۵۵

۶. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۱۹۰

۷. ص، آیه ۲۹

۸. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۱۸۶

۹. صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۷۸

موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می‌کنند، بلکه هر رفیقی به مقیاس درجه رفاقت و دوستی در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ می‌کند. به دیگر سخن، دوستان در معاشرت با یکدیگر، دانسته یا ندانسته، روی رفتار و گفتار هم تأثیر می‌گذارند.^۱ در روایتی از پیامبر گرامی اسلام آمده است: انسان بر دین و آیین دوست و همنشین خود است.^۲ حکایت همنشین صالح، مثل عطاری است که اگر از عطر خود، دیگری را بهره مند نسازد، بوی خوش آن در وی اثر می‌گذارد و حکایت همنشین بد، مثل آهنگری است که اگر شرار آتش آن آدمی را نسوزاند، بوی بد آن در وی اثر می‌گذارد. از این رو در الگوی اسلامی زندگی بر دقت در انتخاب دوست تأکید زیادی شده است. دوست خوب، کسی معرفی شده که دوستش را در برطرف کردن عیب‌هایش کمک کند، در غیابش هوای او را داشته باشد و او را بر خودش ترجیح دهد.^۳

در روایات به دوستی و همنشینی با خردمندان تشویق شده است.^۴ امام صادق علیه‌السلام در زمینه ویژگی‌های دوست خود فرموده است: هیچ کس را دوست خود مخوان، مگر آن که در سه چیز او را بیازمایی؛ او را به خشم آوری و بینی که آیا این خشم او را از حق به باطل می‌کشاند؛ در درهم و دینار و در سفر کردن با او.^۵ در کتاب «غررالحکم و درر الکلم» در باب «الآخوه»، سخنانی از امیرمومنان علیه‌السلام ذکر شده که از جمله آن‌ها عبارت است از: «برادرانی که برادری‌شان در رابطه با دین باشد، از نظر دوستی پاینده‌ترند»، «بهترین برادران تو، کسی است که تو را با مال خود کمک کند و بهتر از او کسی است که تو را از غیر خویش بی‌نیاز سازد»، «بهترین برادران، کسی است که برادری‌اش بر سر دنیا نباشد»، «بهترین هر چیز، تازه آن است و بهترین برادران، قدیمی‌ترین آن است» و «بهترین برادران، یاری‌کننده‌ترین آن‌ها بر کار خیر و عامل‌ترین به نیکویی و مدارا خوترین آن‌ها با همراه است».

در مقابل، در مورد دوست بد، در آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره شریفه فرقان آمده است: و روزی که ستمکار، دست‌های خود را می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با پیامبر راهی بر می‌گرفتم، ای وای، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم! او بود که مرا به گمراهی کشانید، پس از آن که قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فروگذارنده‌ی انسان است». همچنین امام علی علیه‌السلام در سفارش به فرزند خود، امام حسن علیه‌السلام فرموده است: فرزندم! از دوستی با احمق بپرهیز؛ زیرا او می‌خواهد به تو سود رساند، اما زیان می‌زند.^۶ همچنین امام سجاد علیه‌السلام در سفارش به فرزند خود، امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «زنهار از همنشینی با کسی که از خویشاوندان خود بریده است؛ زیرا من چنین کسی را در سه جای کتاب خداوند، لعنت شده یافتیم».^۷

از آنچه گفته شد، روشن است که تا چه اندازه بنا بر آموزه‌های اسلامی شناخت دوست خوب در موضوع معاشرت با دیگران برای نیل به یک الگوی صحیح رفتار اجتماعی مهم است. علاوه بر این، در آیات و روایات، راهکارهایی برای تداوم دوستی در روابط اجتماعی و معاشرت با دوستان ارائه شده

۱. شکوهی، ۱۳۶۳، ص ۶۷

۲. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۵

۳. ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۳۱۶

۴. همان، ص ۳۱۶

۵. طوسی، ۱۴۱۴، ص ۶۴۶

۶. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۹۸

۷. همان، ج ۲، ص ۳۷۷

است که از آن جمله می‌توان به «دوری از ناراحت کردن دیگران»، «خرده گیری نکردن از دوست»، «عدم فخر فروشی و ستیزه جویی»^۱ اشاره کرد. همچنین امام سجاد علیه‌السلام در مورد حقّی که یک دوست برگردن انسان دارد، فرموده است: حقّ همنشین این است که با او به فضل و انصاف رفتار کنی و به اندازه‌ای که احترام می‌کند، احترامش کنی. اجازه ندهی در هیچ بخششی، پیشدستی کند و اگر پیشدستی کرد، جبران کنی، همانطور که دوستت دارد، دوستش بداری، اگر تصمیم به گناهی گرفت، او را از آن باز بداری، برای او مایه رحمت و مهربانی باش و باعث عذاب او مباش.^۲

با تأمل در الگوی رفتاری‌ای که اسلام در قالب قرآن و سنت برای معاشرت با دوستان ارائه کرده است، به‌خوبی فهمیده می‌شود که تا چه اندازه، حسن خلق و رفتار و گفتار نیکو در پیدایش و تداوم رابطه انسان با دوستانش مهم است. در کتاب «غررالحکم و درر الکلم» در باب «حسن السلوک» آمده که امام علی علیه‌السلام فرمودند: «با حسن اخلاق، زندگانی شیرین می‌شود». نکته دیگری که توجه به آن در موضوع ارتباط با دوستان از دیدگاه اسلام ضروری به نظر می‌رسد، رعایت اعتدال و میانه‌روی در دوستی است. در سبکی که اسلام برای زندگی ارائه می‌کند، دوستی و دلبستگی خوب است، ولی وابستگی مذموم است. چراکه با وابستگی، هدف اصلی از دوستی و معاشرت با دوستان که همانا آرامش و خرسندی و در یک کلام، نیل به رضایت خداوند متعال است، حاصل نمی‌شود و زندگی شخص وابسته، دچار مشکلات شده و به اختلال در فعالیت‌های فردی و اجتماعی می‌انجامد.

شاید با برخورد اولیه به سفارشات اسلامی در مورد معاشرت با دوستان و عدم درک صحیح از دین اسلام به عنوان یک دین جامع و کامل به نظر می‌رسد که در آموزه‌های دین اسلام نوعی تناقض وجود دارد، چراکه از سویی به معاشرت با مردم و به‌ویژه با دوستان و خانواده سفارش شده و از سوی دیگر به تنهایی‌گزیدن و دور بودن از مردم توصیه شده است. برای نمونه، در روایتی آمده است: «سلامت در تنهاگزینی است»^۳ و در روایت دیگری «معاشرت با فرزندان و اهل دنیا»، رأس گرفتاری و عامل تباهی تقوا معرفی شده است.^۴ در جواب این اشکال باید گفت که تنهایی به مفهوم روان‌شناختی آن عبارت است از زندگی بدون رابطه نزدیک و همراه با این احساس که مقدار و کیفیت روابط مورد آرزوی شخص، بالاتر از مقدار و کیفیت روابط فعلی باشد. بنابراین عنصر «احساس» در اینجا جایگاه اساسی دارد و به‌صرف تنهابودن اختیاری، بدون وجود مسائلی چون احساس مورد توجه نبودن و داشتن عواطف منفی از قبیل افسردگی، غم، اضطراب و نارضایتی، «تنهایی» صدق نمی‌کند. از سوی دیگر با توجه به فواید بسیاری که در ارتباط با دیگران و با معاشرت با مردم وجود دارد، مانند فراگیری دانش از دیگران و بهره بردن از مشاغل و تجارب دیگران، الگوی اصلی همان ارتباط با دیگران است تا زمینه‌های استفاده فراهم شود. همچنین در جواب این اشکال باید گفت بعضی از آیات و روایات توصیه‌کننده بر عزلت و کناره‌گیری از مردم، ناظر به دوری از کافران و مشرکان،^۵ بدکاران و افراد ناشایست^۶ و کسانی است که ارزش‌های الهی را به تمسخر می‌گیرند.^۷ البته

۱. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۶۵

۲. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۸۵۸۲

۳. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۹۱

۴. همان، ج ۷۴، ص ۷

۵. محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۹۳

۶. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۷

۷. مریم، آیه ۴۵-۴۹

۸. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۷۳

۹. انعام، آیه ۶۸

دستور کناره‌گیری از این گروه‌های سه‌گانه، در مورد رابطه دوستی و محبت است^۱ و در صورتی که بتوانیم بر آنان اثرگذار باشیم، ارتباط با آنان ترجیح دارد. چنان‌که رسالت اصلی انبیای الهی همین بوده است. همچنین بخشی از آموزه‌های اسلامی که بر گوشه‌نشینی دلالت می‌کنند، تأکید بر استفاده از بخشی از اوقات به منظور عبادت خدا، تفکر و تدبیر و محاسبه و مراقبه است که این تنهایی نیست.^۲

۲-۳- خانواده

خانه و خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد. خانواده کوچک‌ترین اجتماع بشری است که هر یک از اعضای آن دارای نقشی هستند و این نقش‌ها، روابطی را به وجود می‌آورد که باعث ایجاد تکالیف و حقوق خاصی می‌شوند. این روابط حقوقی در حقوق مدنی و کتب فقهی، در بخش‌هایی مانند کتاب نکاح، طلاق، ارث و ... بررسی می‌شوند. آموزه‌های اسلامی دارای احکام اخلاقی در مورد خانواده است که باعث تحکیم خانواده و شیرینی زندگی خانوادگی و رسیدن به هدف نهایی انسان، یعنی تقرب الهی می‌شود. متلاشی شدن خانواده در غرب را می‌توان نتیجه بی‌توجهی به همین آموزه‌های اسلامی و روی آوردن به فرهنگ برهنگی و اختلاط زن و مرد دانست. قانونی کردن هم‌جنس‌بازی در سال‌های اخیر را می‌توان آخرین ضربه بر پیکره نیمه‌جان خانواده در جوامع غربی دانست. افزایش بزهکاری به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان و رشد فزاینده قتل و خشونت در غرب را می‌توان از پیامدهای سبک زندگی غربی در موضوع خانواده دانست.

خانواده در دیدگاه اسلام، دارای فواید مهمی است که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «حفظ امنیت اخلاقی جامعه»، «ایجاد آرامش برای زن و مرد»، «تولید نسل»، «ارضای صحیح تمایلات جنسی»، «تأمین غذا، بهداشت، پوشاک و مسکن فرزندان»، «پرورش روحی و معنوی فرزندان» و «آماده‌سازی فرزندان برای ورود به جامعه و نقش‌آفرینی در آن».

ازدواج نخستین گام برای تشکیل خانواده است که در آیات و روایات، بر اهمیت آن تأکید شده است. پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند: کسی که ازدواج کند، نیمی از دین خود را کامل کرده است و برای نصف دیگر باید تقوای خدا را پیشه کند.^۳ تشویق به ازدواج کردن در دین اسلام، حکایت از تأثیر مثبت آن در حرکت تکاملی انسان دارد. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «دو رکعت نمازی که صاحب همسر می‌خواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که فرد بی‌همسر بخواند».^۴ البته آثار مثبت ازدواج، در صورتی حاصل می‌شود که انتخاب همسر بر اساس معیارهای صحیح صورت گرفته باشد. در الگوی اسلامی زندگی خانوادگی، صرف زیبا بودن، پول‌دار بودن و تحصیلات عالی داشتن زن، معیار انتخاب همسر نیست. پیامبر خدا فرمودند: از خضراء الدمن (گیاه روییده در خرابه) بپرهیزید. گفته شد: ای رسول خدا! خضراء الدمن چیست؟ فرمود: زن زیبارویی که در خانواده‌ای فاسد، رشد کرده است^۵ و در جای دیگری فرمودند: زن، همچون گردن‌آویز است، پس بنگر که چیزی را به گردن می‌آویزی.^۶ در روایات، معیارهایی نیز برای انتخاب شوهر آمده است. برای مثال بنا بر روایتی از پیامبر گرامی اسلام، به ازدواج با مردی توصیه شده است که اخلاق نیکو و دین صحیح

۱. نساء، آیه ۱۴۴

۲. عباس نژاد، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱

۳. مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۱۷

۴. همان، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹

۵. همان، ص ۲۳۲

۶. محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۷۵

به واسطه رابطه زوجیت، دو نقش «شوهر» و «زن» پدید می‌آید که هر یک وظایفی دارند. در الگوی اسلامی زندگی خانوادگی غذا، بهداشت، پوشاک، مسکن و لوازم ضروری زن، بر مرد واجب است.^۲ همچنین خدا در قرآن می‌فرماید: با همسران خود به نیکی رفتار کنید.^۳

همچنین پیامبر گرامی اسلام فرمودند: این سخن مرد به زن که «دوستت دارم»، هرگز از دل زن بیرون نرود^۴ و در جای دیگری فرمودند: نشستن مرد نزد زن و فرزندش، نزد خداوند متعال از اعتکاف در این مسجد من، محبوب‌تر است.^۵ همچنین امام علی علیه‌السلام به فرزندش، امام حسن علیه‌السلام چنین سفارش کردند: از غیرت نابجا (نسبت به زنان) بپرهیز که آن، زن سالم را به بیماری می‌کشد و پاک‌دامن را به بدگمانی، بلکه درباره آنان محکم‌کاری کن. آنگاه اگر عیبی دید، در مجازات کوچک و بزرگ، درنگ مکن.^۶

در آسیب‌شناسی سبک زندگی غربی باید گفت که زن در غرب، به‌عنوان یک کالا برای عیاشی و فساد دیده می‌شود که تا مدتی پیش از کمترین حقوق نیز بی‌بهره بود. تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان، به زنانی که تحصیل می‌کردند، مدرک تحصیلی نمی‌دانند و می‌گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد. در همان سال‌هایی که چنین حقارت‌هایی در فرهنگ غربی مشاهده می‌شد، در ایران اسلامی، «بانوی اصفهانی» اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اول آن روز اسلام داشت و در اصفهان، حوزه تدریس فلسفه و فقه‌اش دایر بود. همچنین در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدعی دفاع از حقوق زنان هستند، تا دهه‌های اول قرن نوزدهم میلادی، زنان نه فقط حق رأی نداشتند، نه فقط حق گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حق مالکیت هم نداشتند؛ یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود، اموال او در اختیار شوهر بود.^۷

همان‌طور که در سبک زندگی اسلامی، مرد وظایفی در خانواده دارد، زن نیز تکالیفی بر عهده دارد. رسول گرامی اسلام فرمودند: اگر قرار بود دستور دهم کسی در برابر کسی سجده کند، حتماً به زن دستور می‌دادم که شوهرش را سجده کند^۸ و در جای دیگری فرمودند: هر زنی که هفت روز شوهرش را خدمت کند، خداوند هفت در دوزخ را به روی او ببندد و هشت در بهشت را به رویش بگشاید، تا از هر در که خواهد وارد شود.^۹

همچنین پدر و مادر، نسبت به سلامت و رشد جسمی، و روحی فرزندان خود مسئول هستند. پیامبر گرامی اسلام فرمودند: فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت و قرآن خواندن؛^{۱۰} امام صادق علیه‌السلام نیز فرمودند: فرزند سه حق بر گردن

۱. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۴۷

۲. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۵۴

۳. نساء، آیه ۱۹

۴. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹

۵. ری شهری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴

۶. بحرانی، ۱۳۹۴، ق. ص ۸۵

۷. قدوسی‌زاده، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۵۷

۸. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۸

۹. محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۴

۱۰. متقی، ۱۴۱۳، ج ۴۵۴۰۹

پدرش دارد: انتخاب مادری خوب برای او، نام‌گذاری خوب او و کوشش در تربیت او.^۱ از جمله وظایفی که در دین مبین اسلام بر آن تأکید شده، رعایت عدالت میان فرزندان است. امام علی علیه‌السلام فرمودند: رسول خدا مردی را دید که دو فرزند داشت، یکی را بوسید و دیگری را نبوسید. فرمود: چرا میان آن دو برابری نگذاشتی؟^۲

بنا بر آموزه‌های اسلامی درباره خانواده، فرزندان نیز نسبت به پدر و مادر وظایفی دارند. برای مثال رسول گرامی اسلام در پاسخ به سؤال از حق پدر بر فرزندش، فرمودند: او را به اسم صدا نزنند، جلوتر از او راه نرود، پیش او ننشینند و برایش دشنام نخرند.^۳ امام رضا علیه‌السلام نیز فرمودند: نیکی به پدر و مادر واجب است، اگرچه مشرک باشند، ولی نباید در معصیت خالق، از آنان اطاعت کرد.^۴

در اینجا باید به شش نکته اشاره کرد. نکته نخست، این است که رفتار اخلاقی‌ای که فرزندان باید نسبت به والدین خود داشته باشند، مربوط به فرزندی است که به سنی رسیدند که دارای قوه تمیز خوب و بد هستند. زیرا یکی از ارکان فعل اخلاقی، نیت است. اما نکته بعدی این است که نیکی به پدر و مادر، درواقع از وجوب شکر منعم نشأت می‌گیرد. زیرا یکی از ویژگی‌های فطری انسان این است که سپاسگزار کسی است که به او نیکی کرده است. نکته سوم عبارت است از اینکه، اگرچه در دیدگاه اسلام، نیکی به هردوی پدر و مادر واجب است، ولی به نیکی به مادر تأکید بیشتری شده است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است که مردی خدمت پیامبر گرامی اسلام آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد؟ سپس به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: بعد از او به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: سپس به چه کسی؟ فرمود: به پدرت.^۵ در نکته‌ی چهارم، باید یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه اسلام و غرب را ذکر کرد و آن، تشویق دین مبین اسلام به نیکی کردن به پدر و مادر، پس از مرگ آنان است. در حکمت‌های این توصیه می‌توان گفت که خداوند راه را برای جبران کوتاهی‌های فرزند خطاکار باز گزارده است. اما در نکته پنجم باید به حقوقی اشاره کرد که خواهران و برادران در دین مبین اسلام نسبت به هم دارند. برای آشنایی با این حقوق به «رساله الحقوق» از امام سجاد علیه‌السلام رجوع شود. آخرین نکته، لزوم احترام به پدربزرگ و مادربزرگ، خاله، دایی، عمو و عمه و نزدیکان و ارتباط با آنها است، به‌طوری‌که «صله‌رحم» یا «پیوند با ارحام»، جایگاه ویژه‌ای در سبک زندگی اسلامی در موضوع خانواده دارد و آثار دنیوی و اخروی برای آن ذکر شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: حتی اگر شده با نوشاندن جرعه‌ای آب به خویشاوند، صله‌رحم به‌جای بیاور و بهترین صله‌رحم، آزار نرساندن به خویشاوند است^۶ و در جای دیگر فرمودند: از «حالق» بپرهیزید که مردان را می‌میراند. شخصی پرسید: «حالق» چیست؟ پاسخ دادند: گسستن از خویشاوندان.^۷

یکی از تفاوت‌های دیگر الگوی زندگی در مورد خانواده از دیدگاه اسلام با سبک زندگی غربی، شرایطی است که اسلام برای کار کردن زن در بیرون از خانه در نظر گرفته است. اسلام نه تنها با کار کردن زن، مخالف نیست، بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی او، یعنی تربیت فرزند و حفظ

۱. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۳۶

۲. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۸۴

۳. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۹

۴. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۷۲

۵. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۹

۶. همان، ص ۱۵۱

۷. فیض، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۹۵

خانواده نباشد، لازم هم می‌داند. هیچ کشوری نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد. اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را ذلیل کند و او را وادار به تواضع و خضوع کند. تکبر از همه انسان‌ها مذموم است، مگر از زنان، مقابل مردان نامحرم.^۱ برای زن، این افتخار نیست که وزیر یا نخست‌وزیر باشد، بلکه افتخار این است که بتواند کانون محیط خانوادگی خودش را گرم اداره کند که البته اگر در آن حال توانست وزیر و نخست‌وزیر هم باشد، هیچ اشکالی ندارد و این هم شرفی و افتخاری بالاتر و مضاعف خواهد بود.^۲

در پایان این قسمت به ذکر یک نمونه عملی در مورد خدمت کردن یکی از بزرگان تاریخ اسلام به خانواده خود می‌پردازیم. علی علیه‌السلام می‌فرماید: روزی فاطمه علیها‌السلام نزدیک اجاق نشسته بود و من عدس پاک می‌کردم. در این حال پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله نزد ما آمد و فرمود: ای ابوالحسن! پاسخ دادم: لبیک ای رسول خدا. پیامبر فرمود: ... ای علی! یک ساعت خدمت به خانواده بهتر از عبادت هزار سال و هزار حج و هزار عمره است و بهتر از آزاد کردن هزار برده و هزار بار جهاد و عبادت هزار مریض و هزار نماز جمعه و هزار تشییع جنازه و سیر کردن هزار گرسنه و پوشاندن هزار برهنه و اعزام هزار اسب در راه خداست و برای او بهتر از هزار دینار صدقه به بینوایان است و برای او بهتر از تلاوت تورات و انجیل و زبور و قرآن و خرید هزار اسیر و آزاد کردن آن‌هاست و برایش بهتر از بخشیدن هزار شتر به بینوایان است و از دنیا نمی‌رود تا جایگاهش را در بهشت مشاهده کند.^۳

۴- الگوی تعاملات اقتصادی

۴-۱- الگوی مصرف

الگوی مصرف یکی از مهم‌ترین مصادیق سبک زندگی است که برای پیاده‌سازی در جامعه‌ی دینی باید در چارچوب نظام معنایی توحیدی باشد.^۴ مصرف تنها یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه نمادی از فرهنگ و هویت افراد جامعه است. در ادبیات جامعه‌شناسی، از مفهوم سبک زندگی دو برداشت متفاوت وجود دارد که این تفاوت، از نوع نگاه به الگوی مصرف در جامعه نشأت می‌گیرد. در برداشت نخست که پیشینه آن به دهه ۱۹۲۰ میلادی بازمی‌گردد، سبک زندگی نشان‌دهنده ثروت و موقعیت اجتماعی افراد بوده و بیشتر به عنوان شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار می‌رفته است. از مشهورترین قائلین این دیدگاه می‌توان «مارکس» و «وبر» را نام برد.^۵ در برداشت دوم، سبک زندگی، راهی برای تعیین طبقه اجتماعی نیست، بلکه راهی برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد است که در تحلیل‌های اجتماعی، اهمیت زیادی دارند.^۶

آموزه‌های اسلامی، با توجه به اصل اعتدال و میانه‌روی در مصرف، دو حد «اقتار» و «اسراف» را به عنوان حداقل و حداکثر مصرف تعیین کرده است. خداوند در سوره فرقان، آیه ۶۷ در این باره می‌فرماید: «کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حد

۱. طریق الاسلامی، ۱۳۹۵، ص ۵۱۸

۲. قدوسی‌زاده، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۸۱

۳. طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۲، ص ۳۰۵

۴. فاضل، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲

۵. Marx

۶. صمیم، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹

۷. فاضلی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰

اعتدالی دارند». بر این اساس اسلام، از یک سو راه مصرف را برای انسان‌ها باز می‌گذارد تا دنیایشان سامان یابد و از سوی دیگر مراقب است مصرف از جاده اعتدال و چارچوب موردنظر شرع خارج نشود.^۱

از دیدگاه اسلام، نیازهای مادی آدمی باید در حد متعارف تأمین شوند، اما مصرف بیهوده و کاذب، به هیچ وجه، تأیید نمی‌شود.^۲ دین مبین اسلام از اسراف و زیاده‌روی در مصرف نهی کرده است. در سوره اعراف آیه ۳۱ آمده است: «ای فرزندان آدم! در هر مسجدی زیور خویش را بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که او اسراف‌کاران را دوست ندارد». امام علی علیه السلام نیز فرمودند: اسراف، موجب هلاکت است و میانه‌روی مایه زیادشدن ثروت.^۳ پیامبر گرامی اسلام در ذکر نشانه‌های اسراف‌کار فرمودند: اسراف‌کار چهار نشانه دارد؛ به کارهای باطل می‌نازد، آنچه را فراخور حالش نیست، می‌خورد، در کارهای خیر، بی‌ رغبت است و هر کس را که بدو سودی نرساند، انکار می‌کند^۴ و در جای دیگری فرمودند: این‌که هر چه دلت بخواهد بخوری، اسراف است.^۵ امام صادق علیه السلام فرمودند: در آنچه بدن را سالم نگه می‌دارد، اسراف نیست ... بلکه اسراف در چیزهایی است که مال را تلف کند و به بدن زیان رساند.^۶

در آسیب‌شناسی سبک زندگی غربی در موضوع الگوی مصرف باید گفت که غرب، رضایت از زندگی و آسایش و راحتی را در مصرف زیاد و تلاش برای بیشتر داشتن بدون مرز می‌داند، درحالی‌که با نگاه به زندگی پرزرق و برق مادی غرب درمی‌یابیم که این زندگی به دلیل نداشتن حد نهایی برای دستیابی به مواهب مادی دنیا، آکنده از اضطراب، نگرانی، بدبینی، خصومت و نزاع است. اما در دیدگاه اسلام، آنچه موجب رضایت از زندگی و آسودگی خاطر می‌شود، قناعت و زهد است. زیرا اگر کسی از تقدیر الهی راضی باشد، به بی‌نیازی واقعی می‌رسد و هیچ چیز به اندازه راضی بودن از روزی، احساس نیازمندی را از میان نمی‌برد.^۷ امام علی علیه السلام فرموده‌اند: کسی که قانع باشد، اندوهگین نشود^۸ و در جای دیگری فرموده است: کسی که مال اندک قانعش نکند، مال بسیار سودش ندهد.^۹ در دعایی که از پیامبر گرامی اسلام نقل شده، آمده است: «پروردگارا! دنیا را بزرگ‌ترین همت و مقصود ما و نهایت علم و فهم ما قرار مده». از این دعا چنین برمی‌آید که آن قدری که از دنیا مذموم است، آن است که دنیا بزرگ‌ترین همت و مقصود و نهایت فهم و درک انسان باشد، اما صرف اتمام به دنیا و توجه به آن برای ادامه حیات، ممنوع نیست.^{۱۰} پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند: بهترین شما کسی نیست که فقط برای دنیای خود، بدون در نظر گرفتن آخرت کار کند و نه کسی که فقط برای آخرتش کار کند و دنیا را رها سازد، بلکه بهترین فرد در میان شما کسی است که هم برای دنیا و هم برای آخرت کار کند.^{۱۱}

۱. فاضل، ۱۳۹۲، ص ۱۶۸
۲. ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲
۳. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۹۲
۴. بحرانی، ۱۳۹۴، ج ۲۲
۵. متقی، ۱۴۱۳، ج ۷۳۶۶
۶. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۰۳
۷. فاضل، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷
۸. محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۳۳
۹. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۷۱
۱۰. سعادت پرور، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۹۱
۱۱. مغنیه، ۱۹۷۷، صص ۱۹۴-۱۹۵

درباره سبکی از زندگی که اسلام در موضوع الگوی مصرف ارائه می‌کند، ذکر چند نکته ضروری است. نکته نخست این است که قناعت و زهد در زندگی شخصی به معنای سخت‌گیری کردن بر خانواده و فقیران نیست، بلکه اسلام در مورد آن‌ها به گشایش و تأمین رفاه مادی متناسب با شأن اجتماعی‌شان توصیه کرده است.^۱ در حکومت امام علی علیه‌السلام که مثال عینی سبک زندگی اسلامی است، برای رفاه تمام افراد جامعه، حتی غیرمسلمانان، تلاش شده است. به‌عنوان نمونه، هنگامی که حضرت، پیرمردی مسیحی و از کارافتاده را دید که دست خود را به سوی مردم دراز کرده بود، فرمان داد هزینه زندگی او را از بیت‌المال تأمین کنند و زیردستان خود و تکتک افراد جامعه اسلامی را این‌گونه نکوهش کردند که چرا تا زمانی که قدرت داشت، از او استفاده کردید و اکنون که پیر و ناتوان شده است، رهایش می‌کنید.^۲ به دیگر سخن، الگوی مصرف فردی در سبک زندگی اسلامی، به زندگی مسلمانان دیگر در جامعه اسلامی بستگی دارد. البته نتیجه نگاه اجتماعی به الگوی مصرف فردی در جامعه اسلامی، عدم سلطه اقتصادی بیگانگان و عزت و کرامت جامعه اسلامی است. از این‌رو، لزوم توجه به «اقتصاد مقاومتی» و «صرفه‌جویی در منابع سرزمینی» در جامعه اسلامی و به‌ویژه ایران اسلامی، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. چنین رویکردی، نه تنها امت اسلامی در عصر حاضر، بلکه آیندگان را نیز از فواید خود بهره‌مند می‌کند. البته شرط اساسی «اقتصاد مقاومتی»، توجه ویژه به «تولید ملی» و پرهیز از مصرف تولیدات خارجی است که جز با عمل به شعار «ما می‌توانیم» محقق نمی‌شود و اهتمام مسئولان و رسانه‌ها را می‌طلبد.

البته پرهیز از تجمل‌گرایی افراطی نیز در این راستا، نقش بسزایی دارد. زندگی همراه با تجمل، افزون بر این‌که جامعه را دچار بحران اقتصادی می‌کند، آثار فرهنگی نامطلوبی دارد که از آن جمله می‌توان به متزلزل شدن آرامش روحی، گسترش روحیه زیاده‌طلبی و تعرض به حقوق دیگران، آسیب دیدن ارزش‌ها، تبدیل ضد ارزش‌ها به ارزش، ایجاد فاصله طبقاتی و تنزل شخصیت، منزلت و اهداف انسانی اشاره کرد.^۳

آخرین نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد و در آسیب‌شناسی سبک زندگی جامعه ایرانی در موضوع الگوی مصرف مطرح می‌شود، مهریه‌های سنگینی است که خانواده‌ها برای دختران خود قرار می‌دهند و با فرهنگ اسلامی مغایرت دارد و توضیح تفصیلی آن در این مقال نمی‌گنجد و به این مقدار اکتفا می‌شود که آنچه از آموزه‌های اسلامی برداشت می‌شود، کم بودن مهریه زن و آسان‌گیری در امر ازدواج است که سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، مؤید این مطلب می‌باشد.

۲-۴- عدالت اقتصادی

عدالت، از دیدگاه اسلام، عبارت است از اینکه هر چیزی در جای خود قرار داده شود. عدالت به معنای «برابری» و برداشت یکسان همه اعضای جامعه اسلامی نیست. چراکه عدالت به معنای این است که به طبق حق، عمل شود و از این‌رو، اگر کسی کار بیشتری کرده باشد، مستحق برداشت بیشتری است.^۴ بنابراین اختلاف سطح معیشتی در جامعه ناشی از تفاوت‌های ذاتی افراد یا تفاوت در زمینه‌های اجتماعی یا فرهنگی، به شرط آن‌که منجر به شکاف طبقاتی نشود، امری طبیعی در اقتصاد اسلامی تلقی شده است.

۱. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۵۴۰

۲. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۶۶

۳. حاجی صادقی، ۱۳۸۸، صص ۹۸-۹۹

۴. جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۳۱

عدل، مبنای همه امور است و خداوند متعال همه چیز را بر عدل استوار کرده است. شهید مرتضی مطهری در این باره می نویسد: «در قرآن، از توحید گرفته تا معاد، و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت، و از آرمان های فردی گرفته تا هدف های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن، همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریع قرآن، آنجا که به توحید یا معاد مربوط می شود، به نگرش انسان به هستی و آفرینش، شکل خاصی می دهد و به دیگر سخن، نوعی «جهان بینی» است. آنجا که به نبوت و تشریع و قانون، مربوط می شود، یک مقیاس و معیار قانون شناسی است؛ و به دیگر سخن، جای پای است برای عقل که در ردیف کتاب و سنت قرار گیرد و جزء منابع فقه و استنباط به شمار آید. آنجا که به امامت و رهبری مربوط می شود، یک شایستگی است، آنجا که پای اخلاق به میان می آید، آرمانی انسانی است، و آنجا که به اجتماع کشیده می شود، یک مسئولیت است».

از یک سو باید گفت، عدالت اقتصادی باید همراه با «عقلانیت» و «معنویت» باشد تا نتایج آن حاصل شود. اگر عدالت با معنویت همراه نباشد، شعاری توخالی خواهد شد و بیشتر جنبه سیاسی و شکلی به خود می گیرد. در صورت نبود عقلانیت و محاسبه گری، انسان در تشخیص مصادیق عدالت به گمراهی و اشتباه دچار می شود. اگر عدالت با عقلانیت همراه نباشد، ظاهر سازی و ریاکاری خواهد شد.^۱ از این رو عدالتی که کشورهای مارکسیستی مدعی آن بودند، دوام نیافت و به دلیل دوری از دین و معنویت، از مسیر خودش منحرف شد.

از سوی دیگر، عدالت باید با پیشرفت همراه باشد. نه عدالت بدون پیشرفت، مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت، عبارت است از برابری در عقب ماندگی و فقر. همچنین پیشرفت بدون عدالت عبارت است از زیاد شدن فاصله طبقاتی. لازم به ذکر است که عدالت اقتصادی و اجتماعی، زمانی تحقق می یابد که وسیله و ابزار آن یعنی حکومت عدل تشکیل شود.

در اندیشه دینی و در منطق نبوی، حکومت وسیله برپاداشتن عدالت است. حکومت، به خودی خود، هیچ ارزش و اعتباری ندارد. از لنگه کفش پاره ای بی ارزش نیز بی ارزش تر است، مگر آن که به وسیله آن حقی اقامه شود، یا باطلی دفع گردد. عبدالله بن عباس گوید: در منطقه ذی قار نزد امیرمؤمنان علیه السلام رفتم و او کفش خود را پینه می زد. پرسید: بهای این کفش چند است؟ گفتم: بهایی ندارد. فرمود: «به خدا سوگند که این کفش از حکومت شما نزد من محبوب تر است، مگر آن که به وسیله آن حقی را بر پا سازم یا باطلی را براندازم».

در حکومت عدل، استعدادها شکوفا می شود، خرده ها به کمال می رسد و حکمت و علم فراگیر می شود. نمونه اعلا ی حکومت عدل، با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد؛ تا جایی که در آن زمان فرخنده، زنان، در خانه، با کتاب خدا و سنت پیامبر گرامی اسلام قضاوت می کنند.^۲

قرآن کریم در آیه ۹۰ سوره نحل و آیه ۱۵ سوره شوری به اجرای عدالت، امر کرده است و در آیه ۲۵ سوره حدید، هدف از ارسال پیامبران را برپایی عدالت در میان مردم معرفی می کند. تأکید قرآن به برقراری عدالت در جامعه و روابط بین افراد، در اقتصاد اسلامی، به صورت اصلی در نظام توزیع ثروت، بازتاب یافته است.^۳ از راهکارهای قرآن برای ایجاد عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی می توان به «ممنوعیت درآمدهای حرام، تحت عنوان اکل

۱. مطهری، ۱۳۷۲، ص ۳۸

۲. طریق الاسلامی، ۱۳۹۵، صص ۱۰۴-۱۰۵

۳. دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۴

۴. صدر، ۱۴۱۷، ص ۲۸۶

باطل»؛ «ممنوعیت زراندوزی و خارج کردن اموال از گردونه اقتصاد»؛ «ممنوعیت از ارزش انداختن اموال دیگران»؛ «ممنوعیت اسراف و تبذیر»^۴ اشاره کرد. زکات که از مختصات اقتصاد اسلامی است، در جهت عدالت اقتصادی در جامعه، نقش بسزایی دارد. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر زکات به درستی پرداخت شود، هیچ نیازمند مسلمانی باقی نخواهد ماند.^۵ تشریع پرداخت‌های واجبی مانند خمس، قربانی حج، کفارات گوناگون، از قبیل کفاره روزه،^۶ کفاره شکستن سوگند^۷ و کفاره زهار^۸ و تشویق به قرض الحسنه^۹ و همچنین پرداخت‌های غیر واجبی مانند صدقه و وقف، تحت عنوان «باقیات الصالحات»^{۱۰} وصیت به ثلث ترکه^{۱۱}، همگی در راستای تعدیل ثروت در جامعه است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بنا بر اصل چهل و هشتم قانون اساسی، دولت موظف است که در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی از قبیل معادن و نفت در سطح استان‌ها، عدالت و مساوات را مراعات نماید و از هرگونه تبعیض، خودداری نماید و همچنین اختیارات ولی فقیه در برپایی نظام اسلامی، نظام بخشیدن به جامعه اسلامی و اجرای عدالت اقتصادی به دولت اسلامی اجازه می‌دهد که طبق نظر ولی فقیه و بنا بر میزان نیاز جامعه، به اخذ مالیات، مبادرت نماید.^{۱۲}

۵- الگوی سیاست خارجی

۵-۱- امت اسلامی

بنا بر سبکی که اسلام برای زندگی ارائه می‌کند، همه مسلمانان، فارغ از نوع نژاد، رنگ، زبان و سرزمینی که جامعه‌های بشری بر اساس آن‌ها تشکیل می‌شوند، عضو جامعه واحدی هستند که به تعبیر قرآن کریم، «امت واحده» نامیده می‌شود. خداوند متعال در آیه ۹۲ سوره انبیاء می‌فرماید: «به راستی این امت واحد شماست و من پروردگارتان هستم؛ تنها مرا عبادت کنید». در آیه ۵۲ سوره مؤمنون هم، این تعبیر تکرار شده است. این امت اسلامی بر پایه عقیده و اندیشه پایه‌ریزی شده است و علاوه بر اینکه زمینه اداره امور جاری مسلمانان و اجرای تعالیم الهی را فراهم می‌کند، الگویی برای زیست مسالمت‌آمیز و صحیح به جهان بشریت ارائه می‌کند. امت واحده پایه‌گذاری شده بر اساس آموزه‌های اسلامی با تعدد ملت‌های اسلامی منافاتی ندارد. به دیگر سخن، اسلام، ویژگی‌های ملی‌گرایانه ملت‌های اسلامی را تا آنجا که به تعصبات نژادی، انگیزه‌های خودبرتربینی و اخلاف در وحدت

۱. بقره، آیه ۲۹
۲. توبه، آیات ۳۴-۳۵
۳. اعراف، آیه ۸۵
۴. اسراء، آیه ۲۷
۵. صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۷
۶. حج، آیه ۲۲
۷. بقره، آیه ۱۸۴
۸. مائده، آیه ۸۹
۹. مجادله، آیات ۳-۴
۱۰. بقره، آیه ۴۵
۱۱. کهف، آیه ۴۶؛ مریم، آیه ۷۶
۱۲. بقره، آیات ۱۸۰-۱۸۱
۱۳. زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۱، صص ۵۴۸-۵۵۶

پیامبر گرامی اسلام در زمینه نفی تعصبات قومی و قبیله‌ای که منشأ آن جاهلیت است، فرموده‌اند: هر کس در دلش به اندازه دانه خردلی عصبیت باشد، خداوند در روز قیامت، او را با اعراب جاهلیت برانگیزاند^۱ و در جای دیگری فرمودند: از ما نیست کسی که به عصبیتی فراخواند و از ما نیست کسی که در راه عصبیتی بجنگد و از ما نیست کسی که با عصبیت بمیرد^۲. امام علی علیه‌السلام نیز در تبیین تعصب پسندیده فرمودند: برای خصلت‌های پسندیده، تعصب به خرج دهید، خصلت‌هایی مانند نگاهداشت حق و حرمت همسایگی و پابندی به عهد و پیمان‌ها و فرمان بردن از نیکی‌ها و مخالفت با تکبر و گردن‌فرازی و اقدام به احسان و نیکوکاری و خویش‌داری از زورگویی و تجاوز و بزرگ شمردن قتل نفس و انصاف داشتن با مردم و فرو خوردن خشم و دوری از ایجاد تباهی در جامعه^۳.

بارزترین ویژگی‌هایی که امت اسلامی را از جوامع غربی متمایز می‌سازد، چهار ویژگی است که قرآن، آن‌ها را بیان کرده است. امت اسلامی تنها جامعه‌ای است که وحی خداوند آن را پدید آورده و خداوند، احکام و تعالیم این امت اسلامی را تعیین کرده و از این رو نعمت خود را بر آن‌ها کامل گردانیده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و به اسلام به‌عنوان دین شما رضایت دادم^۴. ویژگی دیگری که امت اسلامی را برای تمام جوامع بشری الگو می‌سازد، اعتدال بین مادیت و معنویت، و بین جامعه‌گرایی و فردگرایی است. خداوند در آیه ۱۴۳ سوره بقره می‌فرماید: «بدین‌صورت شما را امتی میانه و اهل اعتدال قرار دادیم تا برای مردم، الگو و سرمشق شوید و پیامبر نیز برای شما الگو و سرمشق باشد». ویژگی سوم امت اسلامی این است که بر خود وظیفه می‌داند، دیگران را به‌سوی حق و حقیقت دعوت کند و در راه گسترش دین اسلام بکوشد. خداوند متعال خطاب به امت اسلامی می‌فرماید: شما بهترین امتی هستید که در میان بشریت ظهور کرده‌اید؛ به کارهای خیر و پسندیده امر می‌کنید و از کارهای بد و ناپسند نهی می‌نمایید و به خداوند، ایمان دارید^۵.

اسلام، دینی نیست که همه درها را بر روی خود ببندد و مردم مسلمان فقط به زندگی خود فکر کنند و کاری به صلاح و فساد و هدایت و گمراهی دیگران نداشته باشند. چهارمین ویژگی امت اسلامی موردنظر اسلام، وحدت و یکپارچگی است. خداوند در قرآن کریم، امت واحده اسلامی را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: همگی به ریسمان الهی، چنگ زنید و پراکنده نشوید^۶.

در عصر حاضر، به دو دلیل، ضرورت وحدت بین ملت‌های مسلمان بیش‌ازپیش احساس می‌شود. دلیل اول این است که دشمن اسلام یعنی، استکبار جهانی، صهیونیسم و آمریکا، بیشتر از گذشته به ابزارهای اثرگذاری، تبلیغات و نفوذ مجهز شده است. دلیل دوم نیز افزایش حساسیت دشمن نسبت به خطری می‌باشد که بیداری اسلامی برایش به وجود آورده است. این حساسیت، ناشی از این است که می‌بیند اسلام می‌تواند از مرز یک توصیه

۱. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۸

۲. ری‌شهری، ۱۳۸۳، ص ۳۸۲

۳. سید رضی، ۱۴۱۴، خ ۱۹۲

۴. مائده، آیه ۳

۵. آل‌عمران، آیه ۱۱۰

۶. همان، آیه ۱۰۳

اخلاقی فراتر برود و در موضع فکری ظاهر شود که توانایی ایجاد یک نظام را دارد.^۱

در آسیب‌شناسی تفرقه و جدایی بعضی ملت‌های مسلمان از هم که مبتنی بر تکفیر است، باید گفت، عقاید مختلف مذاهب اسلامی و اختلاف نظر در فروع با لزوم وحدت اسلامی و اجتماع حول اصولی که مشترکات بزرگی هم هستند، منافاتی ندارد. خواص جوامع اسلامی، وظیفه سنگینی بر دوش دارند. ایشان می‌بایست برای حفظ وحدت اسلامی بین امت‌های مسلمان، بحث‌های مذهبی را به میان مردم و کوچه و خیابان نکشند، دل‌های مردم را نسبت به هم چرکین نکرده و دشمنی‌ها را زیاد نکنند. به دیگر سخن، بحث‌های مذهبی، به محافل نخبگان جوامع اسلامی اختصاص دارد که باید بر اساس منطق و مطالب علمی صورت گیرد. بدگویی و عیب‌جویی و فحاشی و شمشیر بر روی هم کشیدن، کمک کردن به دشمنان اسلام است که هم دشمن شیعه و هم دشمن سنی هستند. نتیجه عملکرد مغایر با وحدت اسلامی، فراموشی بزرگ‌ترین مصیبت جهان اسلام، یعنی مسئله فلسطین، و تسلط دشمنان اسلام است.

۲-۵- استکبارستیزی و دفاع از مظلوم

استکبار، معنای وسیعی دارد به نظر می‌رسد که استکبار، غیر از تکبر است، به این صورت که تکبر، بیشتر به یک صفت قلبی و روحی اشاره می‌کند، یعنی انسان، خود را برتر از دیگری بداند، درحالی‌که استکبار، بیشتر به جنبه عملی تکبر توجه دارد. یعنی کسی که کبر می‌ورزد و خود را بالاتر از دیگران می‌داند، در رفتار خود با دیگران هم، طوری کار را سازمان‌دهی می‌کند که این تکبر، در عمل، واضح می‌شود؟ دیگران را تحقیر می‌کند، در کار دیگران دخالت می‌کند و برای دیگران، به‌عنوان تصمیم‌گیرنده ظاهر می‌شود. معنای استکبار در آیه ۴۴ سوره فاطر همین است. یعنی در مقابل پیامبر گرامی اسلام و حرف حق، استکبار ورزیدند. نگفتند ما بالاتریم، بلکه این بالاتر بودن را با جنگ‌های طولانی و تمام نشدنی جبهه کفر با جبهه حق، در عمل، سازمان‌دهی کردند.

در سبک زندگی برگرفته از آیات و روایات، مسئله دفاع از مظلوم و ستم‌دیده از اهمیت زیادی برخوردار است؛ تا آنجا که اگر مسلمانی، فریاد دادخواهی ستم‌دیده‌ای را در عالم بشنود و به یاری او نشتابد، از مسلمانی خارج شده است. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرمودند: کسی که بشنود، مردی، مسلمانان را به کمک می‌خواند، پس او را اجابت نکنند، مسلمان نیست.^۲ در روایت موثق مسعده بن صدقه از امام صادق علیه‌السلام و او از پدرش امام باقر علیه‌السلام آمده است که فرمود: هرگاه شما درصدد یاری کسی که توسط حاکم ظالمی، هدف ضرب و شتم یا ظلم و قتل قرار گرفته، نباشید، نباید شاهد و ناظر آن صحنه باشید. زیرا یاری مومن بر هر مسلمانی، فریضه الهی است و راحت‌طلبی و عافیت‌جویی تا هنگامی است که صحت و دلیلی برای قیام و یاری مظلومی نباشد.^۳

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «و ما لکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین..» فرمودند: «آری، اسلام، هرچند که هر سبب و نسیبی را در برابر ایمان، هیچ و پوچ دانسته، ولی درعین حال، همین هیچ و پوچ را در ظرف ایمان، معتبر شمرده، بنابراین بر هر فرد مسلمان، واجب است که به خاطر

۱. قدوسی‌زاده، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۱

۲. قدوسی‌زاده، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۷

۳. همان، ۱۳۹۴، ج ۳، صص ۵۷-۵۸

۴. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۴۱

۵. همان، ج ۱۸، ص ۳۱۳

برادران مسلمانان که سبب ایمان، بین وی و آنان، برادری ساخته ... فداکاری کند و غیرت به خرج دهد» و نیز فرمودند: «آیه شریفه به این دسته از مردم می‌فرماید، اگر ایمان به خدایتان ضعیف است، حداقل غیرت و تعصب که دارید و همین غیرت و تعصب اقتضا می‌کند، از جای برخیزید و شر دشمن را از سر یک‌مشت زن و بچه و مردان ضعیف کوتاه کنید».

لازم به ذکر است که در آموزه‌های اسلامی، تسامح و تساهل در برابر باطل، نکوهش شده است. خداوند متعال در آیات ۸ و ۹ سوره قلم به پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «پس از تکذیب کنندگان اطاعت مکن؛ آن‌ها دوست دارند در مسائل دینی، نرمش نشان دهی تا آن‌ها نرمش نشان دهند». اینکه در سخنان پیشوایان معصوم، دین اسلام به «شریعت سمحه سهله» توصیف شده است، ربطی به تساهل و تسامح ندارد؛ بلکه بدین معناست که دین اسلام با فطرت انسان، سازگار و برای انسان، قابل تحمل است.

در سبک زندگی برگرفته از آموزه‌های اسلامی، رابطه جامعه اسلامی با جوامع غیرمسلمانی که رفتار استکباری و ظالمانه ندارند و به حقوق مسلمانان احترام می‌گذارند، رابطه‌ای بر مبنای عدالت و احترام متقابل است. زیرا همکاری با انسان‌های دیگر و احترام به حقوق آن‌ها در فطرت هر انسانی نهفته است. البته این رابطه با کفار، مشروط به حفظ سیادت اسلام و عدم برتری کفار بر جامعه اسلامی و تسلط آن‌ها بر مسلمانان است. زیرا خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «و خدا هیچ راهی برای [تسلط] کافران بر مؤمنان قرار نداده است».

۶- الگوی رویکردهای فرهنگی

۶-۱- پوشش و آرایش

یکی دیگر از مصادیق بارز سبک زندگی، مسئله «پوشش و آرایش» است که از آن در فرهنگ غربی با عنوان «مد» یاد می‌شود. در سبک زندگی غربی که مبتنی بر اندیشه‌های سرمایه‌داری است، از زن استفاده ابزاری می‌شود و جسم او مانند هزاران جنس دیگر، به‌عنوان کالایی برای بهره‌برداری‌های اقتصادی دیده می‌شود. به دیگر سخن، ارزش زن در تحریک جنسی مرد خلاصه می‌شود. اما در سبکی که اسلام برای زندگی ارائه می‌کند، زن به‌عنوان موجودی دیده می‌شود که عنصر اصلی خانواده را تشکیل می‌دهد و می‌تواند مایه اصلاح جامعه با پرورش انسان‌های والا باشد. از دیدگاه اسلام، آزادی زن به این نیست که وسیله‌ای برای لذت بردن مرد معرفی شود. درواقع، «آزادی زن» به معنایی که غرب ارائه می‌کند، آزادی زن نیست، بلکه آزادی مردهای هرزه برای تمتع زن است.^۴

نیازی فطری زنان به خودآرایی [تبرج] از یک‌سو و جذابیت زن برای مردان از سوی دیگر سبب شده است که اسلام برای حضور مؤثر زنان در جامعه، پیشنهاد حضور زن در عرصه‌های عمومی را با رعایت حجاب مطرح کند. بنابراین حجاب و پوشش اسلامی، نه تنها به معنای خانه‌نشینی زنان نیست، بلکه کیفیت حضور زن در عرصه‌های عمومی و اجتماعی را تبیین می‌کند. بنا بر آموزه‌های اسلامی حجاب عبارت است از: پوشانیدن تمامی اعضای

۱. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۶۷۲

۲. فاضل، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱

۳. نساء، آیه ۱۴۱

۴. قدوسی‌زاده، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۴۸

بدن به جز صورت و دست‌ها تا میچ. لازم به ذکر است که فقها به جای واژه‌ی «حجاب» از واژه «ساتر» نیز استفاده می‌کنند.^۲

خداوند متعال در آیه ۵۳ سوره احزاب به مردان مسلمان امر می‌کند که در صورت لزوم صحبت کردن با زنان پیامبر، این کار را از پشت پوششی مانند در، دیوار یا پرده انجام دهند. همچنین خداوند متعال برای تبیین کیفیت پوشش زنان در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «به زنان باایمان بگو که دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فروبندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش اندازند.

حضرت زهرا سلام‌الله علیها در پاسخ به پرسش پیامبر گرامی اسلام که پرسید: چه روش و سیره‌ای برای زندگی بانوان بهتر است؟، فرمود: بهترین زنان کسانی هستند که نه آنان، مردان را ببینند و نه مردان، آنان را. پیامبر وی را تحسین کرد و فرمود: آن فاطمه بضعه منی.^۳ بنا بر این روایت، خیر برای زنان این است که تا هنگامی که ضرورتی پیش نیامده است، با نامحرمان ارتباط برقرار نکنند.

به‌طور کلی، در سبک زندگی اسلامی، حضور زنان در عرصه جامعه و ارتباط آن‌ها با نامحرمان ضرورتی ندارد و مطلوب‌ترین سیره برای بانوان حضور در خانه و رسیدگی نیکو به همسران و تربیت دینی فرزندان است. البته در شرایط عادی، دیدار زنان با مردان، ممنوعیت شرعی و قانونی ندارد و آن‌ها می‌توانند با رعایت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی، به عرصه‌های اجتماعی وارد شوند. از این رو، حکم بیان شده در روایت، سفارشی اخلاقی-ترجیحی است، نه حکمی قانونی-تکلیفی.^۴

به‌طور کلی تأکید اسلام بر پوشش مناسب زنان را می‌توان به چهار علت دانست. از جنبه روانی، نبود حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را افزایش می‌دهد و چون غریزه جنسی، غریزه‌ای قوی است، هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود.^۵ از جنبه خانوادگی، اختصاص لذت‌جویی و بهره‌برداری جنسی به زن و شوهر در محیط خانواده، سبب تحکیم رابطه آن‌ها می‌شود و پوشش در خارج از خانه برای جلوگیری از کام‌جویی دیگران است. از جنبه اجتماعی، در محیط کاری که آلوده به لذت‌جویی‌های شهوانی باشد و زنان با آرایش‌های مهیج و محرک، خود را به مردان ارائه دهند، افراد، بیش از آنکه به فکر کار و وظیفه باشند، در فکرهای دیگر خواهند بود. از جنبه ارزشی، اسلام می‌خواهد که ارزش و احترام زن در اجتماع محفوظ بماند و زن، وسیله‌ای برای عیش هوس‌بازان نباشد.

در سبک زندگی غربی، در دفاع از آزادی بی‌بندوباری و بی‌حجابی به دو چیز اشاره می‌شود. از یک سو، محدودیت‌هایی از قبیل بی‌حجابی را موجب حریص شدن انسان و در نتیجه افزایش تمایل مرد و زن به اعمال جنسی می‌دانند و از دیگر سو معتقدند که سرکوب کردن غرایز و به‌خصوص غریزه جنسی، باعث انواع بیماری‌های روحی و روانی می‌گردد. در پاسخ این دو دلیل باید گفت، اگرچه مبارزه با غرایز در حدودی که انسان به‌صورت طبیعی به آن‌ها نیاز دارد، غلط است، ولی بی‌بندوباری و بی‌حجابی، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه مشکل را زیاد هم می‌کند.^۶ شاهد این مطلب، صاحبان

۱. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۳۸

۲. کلاتری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰

۳. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸

۴. مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۹۳

۵. مطهری، ۱۳۶۲، صص ۵۹-۷۲

۶. مطهری، ۱۳۶۲، ص ۸۵

حرم‌سراهای رومی، ایرانی و عرب است که باوجود آزادی‌های جنسی، شهوات آن‌ها بیشتر هم شد.

غرب نسبت به مسئله حجاب، رفتاری دوگانه دارد. غرب، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان کشوری که حجاب را الزامی می‌داند، مورد انتقاد قرار می‌دهد، اما کشورهایی که نبودن حجاب را الزامی می‌کنند، مورد انتقاد قرار نیم دهد، با وجود اینکه مسئله بی‌حجابی و بی‌عفتی در سبک زندگی غربی، به بحرانی خاموش در جوامع غربی تبدیل شده است. برای مثال، از هر هفت زن آمریکایی، یک نفر در طول حیات، مورد تجاوز واقع می‌شود. هر دو دقیقه، یک زن آمریکایی مورد تجاوز قرار می‌گیرد. هر نه ثانیه، یک زن در آمریکا صدمه جسمی و بدنی می‌بیند. یک سوم زنان آمریکا در مقطعی از زندگی، به دست شوهر یا دوست‌پسرهاشان آسیب بدنی دیده یا مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. سی درصد زنان مقتول در آمریکا، به دست همسر یا همسران یا دوست‌پسرهاشان کشته می‌شوند.^۱

لازم به ذکر است که عفاف و حجاب، دو واژه درهم‌تنیده است که تفکیک آن‌ها امکان‌پذیر نیست؛ زیرا یکی از نشانه‌های عفاف، حجاب است. همچنین عفاف بدون حجاب قابل‌تصور نیست و نمی‌شود به مرد یا زنی که نیمه‌عریان در جامعه ظاهر می‌شود، عقیف گفت. تأکید روی «عفت بدون حجاب» نتیجه‌ای جز گرفتن عفت از زنان ندارد. در سبک زندگی برگرفته از آیات و روایات، بر مسئله عفاف و جلوگیری از اختلاط زن و مرد تأکید شده است و نمی‌شود به پوشش همراه با اعمالی مانند ناز و عشوه و نگاه به نامحرم، حجاب گفت. برای مثال، با توجه به اینکه زنان در نماز جماعت شرکت می‌کردند، روزی رسول خدا به یکی از درها اشاره کرد و فرمود: خوب است این در را به زنان اختصاص دهیم.^۲ همچنین ایشان درباره روش گذشتن زنان از خیابان فرمود: زنان از وسط کوچه و خیابان نگذرند، بلکه از کنار و حاشیه بگذرند.^۳ همچنین در ماجرای بیعت با زنان، از آن‌ها بیعت گرفت که با مردان خلوت نکنند.^۴

لازم به ذکر است که برخلاف حجاب که به زن اختصاص دارد، عفاف به هردوی مرد و زن تعلق دارد. ازاین‌رو بنا بر آموزه‌های دین مبین اسلام، مرد می‌بایست از نگاه به زن نامحرم و پوشیدن لباس‌های تحریک‌آمیز خودداری کند.

زینت و آرایش، با شرایطی، در سبک زندگی اسلامی، امری مستحب معرفی شده است. پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند: پاکیزه باشید و خودتان را شبیه یهود نکنید. زنان یهودی که زناکار شدند، بدان جهت بود که شوهرانشان کثیف بودند و کسی به آن‌ها رغبت نمی‌کرد.^۵ همچنین فرمودند: هزینه یک درهم برای خضاب، ارزشمندتر از هزینه هزار درهم در راه خداست و در خضاب کردن، چهارده ویژگی است.^۶ در جای دیگری نیز فرمودند: بهترین زنان شما، زنی است که ... برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، ولی خود را از نامحرمان بپوشاند.^۷ امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: هر زنی که

۱. قدوسی‌زاده، ۱۳۹۳، صص ۱۱۲-۱۱۳

۲. معین‌الاسلام، ۱۳۸۶، ص ۶۴

۳. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۳۲

۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴

۵. همان، ج ۳، ص ۳۵۵

۶. همان، ج ۲، ص ۸۵

۷. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵

عطر بزند و از خانه خارج شود، لعنت بر او فرستاده می‌شود تا زمانی که به خانه بازگردد.^۱

زنان از نظر روانی، دارای ویژگی دیگرخواهی هستند و همین موجب خودآرایی در آنان می‌شود. درواقع، زنان به عرضه زیبایی خود نزد دیگران بیش از خود زیبایی علاقه نشان می‌دهند.^۲ از این رو در محیط خانه کمتر به زیبایی‌های خود توجه دارند، ولی هنگامی که در مجالس و محافل عمومی شرکت می‌کنند، نسبت به خودآرایی اهتمام بیشتری دارند.

از نظر روان‌شناسی جنسی ثابت شده است که تحریک‌پذیری مرد در برابر محرک‌های بصری از محرکات دیگر، بیشتر است. در صورتی که زن در برابر محرکات لمسی حساسیت بیشتری دارد.^۳ خصلت مرد، چشم‌چرانی و خصلت زن، خودآرایی است. خودنمایی از ویژگی‌های عاطفی هر زن است و کمتر اتفاق افتاده که مردان با لباس‌های بدن‌نما خارج شوند.

بنابراین، در سبک زندگی‌ای که اسلام برای زندگی ارائه می‌کند، از یک‌سو به آرایش زن برای شوهرش توصیه شده تا ویژگی فطری خودآرایی و خودنمایی زن برآورده شود و از سوی دیگر از خودآرایی و خودنمایی زن برای غیر شوهر منع شده است تا از ویرانی بهداشت روانی جامعه جلوگیری شود. از راه دیگری که اسلام برای تحدید حس خودآرایی زن در نظر گرفته است، مسئله حجاب است که بدان اشاره شد. لازم به ذکر است که مسئله خودآرایی و زیبایی در دین اسلام به زن اختصاص ندارد، بلکه در مورد مرد نیز سفارش شده است که از آن جمله، توصیه به عطر زدن،^۴ مسواک زدن^۵ و داشتن لباس پاکیزه^۶ را می‌توان نام برد.

۱. حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۱۴

۲. معین‌الاسلام، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷

۳. هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲

۴. کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۱۰

۵. همان، ج ۳، ص ۲۲

۶. همان، ج ۶، ص ۴۴۱

نتیجه

هر جامعه ای، زمانی می تواند ثمره و محصول جهان بینی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی او متناسب با باورها و ارزش هایش شکل یافته باشد. بسیاری از جوامع کنونی بشری نتوانسته اند میان مبانی اعتقادی خویش، از یک سو و سبک زندگی خود در حوزه های مختلف اجتماعی، ارتباط ایجاد نمایند که جوامع اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بر این اساس، غفلت از مسأله سبک زندگی اسلامی می تواند خسارت های جبران ناپذیری بر جامعه اسلامی وارد کند. وقتی مسلمانان نتوانند میان الگوی زندگی خود و باورها و ارزش هایشان ارتباط ایجاد کنند، بعد از مدتی ممکن است دست از باورها و ارزش های خود بردارند و آنان را ناکارآمد تلقی کنند.

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که سبک زندگی اسلامی، راهگشای مشکلات جوامع بشری در هر زمان و مکانی است. زیرا الگویی که اسلام برای زندگی ارائه کرده است، از یک سو، مبتنی بر ویژگی های فطری انسان می باشد و از دیگر سو، موجب پیشرفت مادی و معنوی افراد و در نهایت جوامع می شود. بنا به آموزه های اسلامی، الگوی صحیح زندگی انسان، بدون توجه به هر دو ساحت دنیا و آخرت، ممکن نیست. اسلام، جمع بین سازندگی مادی و سازندگی معنوی را الگوی مناسب زندگی معرفی می کند. البته این به معنای مغایرت کامل سبک زندگی اسلامی با دیگر الگوهای رایج در جهان نیست، ولی مهم آن است که الگوهای انتخابی از آموزه های دینی اثر پذیرد.

بر اساس نتایج این پژوهش، تمدن کنونی غرب در لجنزار اخلاقی خودساخته، فرورفته و به زودی محو خواهد شد. نگاه غرب به زندگی فردی انسان از دو حالت خارج نیست که هر دو مورد، از دیدگاه اسلام، مردود است؛ یکی اینکه تحول انسان متوقف بر پیشرفت مادی تنها است و دیگری اینکه الگوی زندگی انسان باید مبتنی بر گزاره هایی باشد که منجر به تحول معنوی او شود، بدون اینکه به زندگی مادی و دنیوی او توجهی شود.

از نتایج پژوهش استنباط می شود که خودسازی و معنویت، نقش بسزایی در سبک زندگی برگرفته از آموزه های اسلامی دارد. از اساسی ترین مؤلفه های سبک زندگی از دیدگاه قرآن و حدیث، رعایت اعتدال و میانه روی در همه امور جاری در زندگی است. خانواده کوچکترین جامعه بشری است که آموزه های اسلامی باعث تحکیم خانواده و شیرینی زندگی خانوادگی می شود. از طرفی امت اسلامی یک امت واحده معرفی شده است که الگوی اسلامی تعاملات اقتصادی، ضامن پیشرفت مادی و معنوی آن است.

نتیجه رعایت آموزه های اسلامی در زندگی شخصی و اجتماعی، همان چیزی است که در قرآن از آن با عنوان «حیات طیبه» یاد شده است. بر این اساس سبک زندگی اسلامی، مقدمه تحقق پیشرفت اسلامی و شکل گیری تمدن نوین اسلامی است.

منابع

القرآن الکریم

ایروانی، جواد (۱۳۸۴). اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

بحرانی، ابن شعبه (۱۳۹۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول. بیروت: موسسه الاعلمی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۲). دایره المعارف قرآن کریم (۱۰ جلدی). قم: بوستان کتاب قم.

حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۸). اصول الگوی مصرف اسلامی. قم: زمزم هدایت.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲). سیری در تربیت اسلامی. تهران: دریا.

ربانی، رسول؛ شیر، حامد (۱۳۸۸). اوقات فراغت و هویت اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۸، صص ۲۰۹-۲۴۲.

سعادت پرور، علی (۱۳۸۵). سر الاسراء (۴ جلدی). تهران: احیاء التراث.

سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه. قم: موسسه نهج البلاغه.

شالچی، وحید (۱۳۸۷). سبک زندگی جوانان کافی شاپ، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱، صص ۹۳-۱۱۳.

شکوهی یکتا، محسن (۱۳۶۳). مبانی تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

صدوق قمی، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صمیم، رضا (۱۳۹۳). نگاهی انتقادی به پیشینه داخلی مطالعات جامعه‌شناختی بر روی سبک زندگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱، صص ۱۴۵-۱۶۶.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه: موسوی همدانی). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی بروجردی، آقا حسین (۱۴۲۹). منابع فقه شیعه (مترجمان: حسینیان قمی، مهدی؛ صبوری، محمدحسین). تهران: فرهنگ سبز.

طریق الاسلامی، احسان (۱۳۹۵). مکارم ولایت: رهنمودهای اخلاقی-تربیتی رهبر معظم انقلاب اسلامی مدّ ظله العالی. قم: موسسه فرهنگی-هنری طریق معرفت ثقلین.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الامالی (چاپ اول). قم: دار الثقافة.

عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴). قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه.

عمید زنجانی، عباس‌علی (۱۴۲۱). فقه سیاسی (چاپ چهارم، ۳ جلدی). تهران: امیرکبیر.

فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲). سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

فاضلی، محمد (۱۳۸۷). تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱، صص ۱۷۵-۱۹۸.

فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه‌مرتضی (۱۴۰۶). الوافی (چاپ اول). اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.

قدوسی‌زاده، حسن (۱۳۹۲). جرعه‌ها: گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب، حضرت آیه الله خامنه‌ای مد ظله العالی (۲ جلدی). قم: دفتر نشر معارف.

قدوسی‌زاده، حسن (۱۳۹۳). نکته‌های ناب: گزیده بیانات رهبر فرزانه انقلاب در جمع دانشجویان و دانشگاهیان (۶ جلدی). تهران: دفتر نشر معارف.

قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور (چاپ اول). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کلانتری، علی‌اکبر (۱۳۸۳). فقه و پوشش بانوان. قم: بوستان کتاب

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

متقی هندی، علاء‌الدین علی (۱۴۱۳). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: موسسه الرساله.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول (چاپ دوم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (چاپ اول). بیروت: موسسه آل البيت علیهم‌السلام.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳). منتخب میزان الحکمه. قم: دار الحديث.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). چشمه‌ای از زلال کوثر (چاپ اول). قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). مسئله حجاب. تهران: شرکت سهامی انتشار.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.

معین‌الاسلام، مریم (۱۳۸۶). پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری

اسلامی ایران.

معین الاسلام، مریم؛ طیبی، ناهید (۱۳۸۰). روان‌شناسی زن در نهج‌البلاغه (چاپ دوم). قم: عطر سعادت.

مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۷). فلسفه الاخلاق فی الاسلام. بیروت: دار العلم للملایین.

مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱، صص ۱۹۹-۲۳۰.

هاشمی رکاوندی، مجتبی (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن. قم: شفق.

Adler, A. (1956) The Individual psychology of Alfred Adler. New York: Basic Books Inc.

Bourdlen, P. (1984) Distinction. New York: Routledge & kegan paul.

Giddens, A. (1996) In Defence of sociology. New York: Polity Press.

Leslie, G.R. & Larson, R.F. & Gorman, B.L. (1994) Introductory Socailogy. London: Oxford Un. Press.